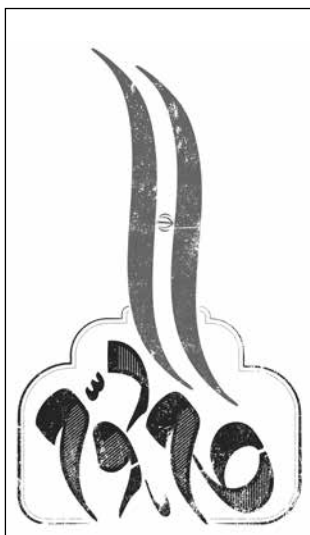






گام دوم انقلاب

شرحی بر بیانیه گام دوم انقلاب

مؤلف و شارح: عزیز غضنفری با همکاری

علی کارگر و مصطفیبرزکار

طراح و ویراستار: مصطفی جهانگیری

چاپ دوم (اول ناشر) - اردیبهشت ۱۳۹۸

چاپ سایه گستر

شمارگان: ۵۰۰۰ جلد

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

توزیع و فروش: تهران

۰۹۱۱۲۹۷۸۹۲۲ - ۰۹۰۵۷۶۲۲۹۶۹

فهرست

۱	مقدمه گام دوم انقلاب
۳	متن بیانیه
۳۰	شرحی بر بیانیه گام دوم انقلاب
۶۵	سوالات مسابقه
۷۶	پاسخنامه



مقدمه | گام دوم انقلاب

انقلاب کبیر اسلامی ایران در حالی چهلمین سالگرد پیروزی خود را پشت سر گذاشت و قدم به دهه‌ی پنجم حیات خود نهاد که اگرچه دشمنان مستکبرش گمان‌های باطلی در سر داشتند، اما دوستانش در سراسر جهان، امیدوارانه آن را در گذر از چالش‌ها و به دست آوردن پیشرفت‌های خیره‌کننده، همواره سربلند دیده‌اند. در چنین نقطه‌ی عطفی، رهبر حکیم انقلاب اسلامی با صدور «بیانیه‌ی گام دوم انقلاب» برای ادامه‌ی این راه روشن، به تبیین دستاوردهای شگرف چهار دهه‌ی گذشته پرداخته و توصیه‌هایی اساسی به‌منظور «جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ» ارائه فرموده‌اند.

بیانیه‌ی «گام دوم انقلاب» تجدید مطلعی است خطاب به ملت ایران و به‌ویژه جوانان که به مثابه منشوری برای «دومین مرحله‌ی خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی» خواهد بود و «فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی» را رقم خواهد زد. این گام دوم، انقلاب را «به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواح‌افاده) هست» نزدیک خواهد کرد.

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه در این کتاب، متن کامل بیانیه

گام دوم را برای مطالعه و تامل پاسداران انقلاب اسلامی منتشر کرده است؛ همچنین در این نگاشته، کوشش شده در بخش پیوستی، با هدف تبیین و عینیت بخشی به بیانات معظم له، موضوعات و نکاتی اضافه شود. ناگفته پیداست که رهنمودها و فرمایشات مقام معظم رهبری برای آحاد جامعه به منزله نقشه راه تلقی می‌شود و این وضعیت به طریق اولی برای سپاه و پاسداران، هم طریقت دارد و هم موضوعیت. اما با این حال توجه و مذاقه در بیانیه گام دوم انقلاب که مقارن با آغاز دهه پنجم انقلاب و شروع چله دوم و در روز ۲۲ بهمن ماه سال ۱۳۹۷ منتشر شده اهمیت مضاعفی پیدا می‌کند؛ ضمن اینکه مطابق با نقل قول حضرت آیت الله شب زنده‌دار، مقام معظم رهبری درباره اهتمام به این بیانیه فرموده‌اند: «**من روی این بیانیه خیلی زحمت کشیدم... من بنای بر این ندارم که اگر چیزی نوشتم یا مطلبی می‌گویم از دیگران درخواست کنم که روی آن کار کنند ولی راجع به این می‌گویم این کار را نکنند.**» با این وصف برای همه فرض است که بیانیه گام دوم انقلاب را به عنوان متنی راهبردی و مانیفست انقلاب اسلامی در مسیر پیش رو مورد توجه نظری و عملی قرار دهند و در سطوح سه گانه، الف) تبیین و خوانش متنی و فرا متنی بیانیه، ب) چگونگی و راهکارهای تحقق سازی بیانیه، و ج) الزامات و ضرورت‌های کاربست بیانیه، اقدامات لازم، که از قضا مورد مطالبه رهبر معظم انقلاب نیز است، صورت گیرد.

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

متن بیانیه:

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين و
صحابه المنتجبين و من تبعهم باحسان الى يوم الدين.

ورود انقلاب اسلامی به دومین مرحله‌ی خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی



انقلاب پُرشکوه ملت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر
جدید است، تنها انقلابی است که یک چله‌ی پُرافتخار را بدون خیانت به
آرمان‌هایش پشت سر نهاده

از میان همه‌ی ملتهای زیر ستم، کمتر ملتی به انقلاب همت می‌گمارد؛
و در میان ملتهایی که به پاخاسته و انقلاب کرده‌اند، کمتر دیده شده که توانسته
باشند کار را به نهایت رسانده و به‌جز تغییر حکومتها، آرمانهای انقلابی را حفظ
کرده باشند. اما انقلاب پُرشکوه ملت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب
عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چله‌ی پُرافتخار را بدون خیانت به
آرمانهایش پشت سر نهاده و در برابر همه‌ی وسوسه‌هایی که غیر قابل مقاومت
به نظر میرسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت (۱) کرده و اینک
وارد دومین مرحله‌ی خودسازی (۲) و جامعه‌پردازی (۳) و تمدن‌سازی (۴) شده
است. درودی از اعماق دل بر این ملت؛ بر نسلی که آغاز کرد و ادامه داد و بر
نسلی که اینک وارد فرایند بزرگ و جهانیِ چهل سال دوم میشود.

پیروزی انقلاب اسلامی؛ آغازگر عصر جدید عالم



اکنون با گذشت چهل جشن سالانه‌ی انقلاب و چهل دهه‌ی فجر، یکی از آن دو کانون دشمنی نابود شده و دیگری با مشکلاتی که خبر از نزدیکی احتضار می‌دهند، دست‌وپنجه نرم می‌کند!

آن روز که جهان میان شرق و غرب مادی تقسیم شده بود و کسی گمان یک نهضت بزرگ دینی را نمی‌برد، انقلاب اسلامی ایران، با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد؛ چهارچوب‌ها را شکست؛ کهنگی کلیشه‌ها را به رخ دنیا کشید؛ دین و دنیا را در کنار هم مطرح کرد و آغاز عصر جدیدی (۵) را اعلام نمود. طبیعی بود که سردمداران گمراهی و ستم واکنش نشان دهند، اما این واکنش ناکام ماند. چپ و راستِ مدرنیته (۶)، از تظاهر به نشنیدن این صدای جدید و متفاوت، تا تلاش گسترده و گونه‌گون برای خفه کردن آن، هرچه کردند به اجل محتوم خود نزدیک‌تر شدند. اکنون با گذشت چهل جشن سالانه‌ی انقلاب و چهل دهه‌ی فجر، یکی از آن دو کانون دشمنی نابود شده و دیگری با مشکلاتی که خبر از نزدیکی احتضار می‌دهند، دست‌وپنجه نرم می‌کند! و انقلاب اسلامی با حفظ و پایبندی به شعارهای خود همچنان به پیش می‌رود. (۷)

شعارهای جهانی، فطری، درخشان و همیشه‌زنده‌ی انقلاب اسلامی



شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثنا است؛ آن‌ها هرگز بی‌مصرف و بی‌فایده نخواهند شد، زیرا فطرت بشر در همه‌ی عصرها با آن سرشته است.

برای همه‌چیز میتوان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد،

اما شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثنا است؛ آنها هرگز بی‌مصرف و بی‌فایده نخواهند شد، زیرا فطرت بشر در همه‌ی عصرها با آن سرشته است. (۸)

آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزّت، عقلانیت، برادری، هیچ یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدرخشد و در دوره‌ای دیگر افول کند. هرگز نمیتوان مردمی را تصوّر کرد که از این چشم‌اندازهای مبارک دل‌زده شوند. هرگاه دل‌زدگی پیش آمده، از روی گردانی مسئولان از این ارزشهای دینی بوده است و نه از پایبندی به آنها و کوشش برای تحقق آنها.

دفاع ابدی از نظریه‌ی نظام انقلابی



انقلاب اسلامی همچون پدیده‌ای زنده و بالاراده، همواره دارای انعطاف و آماده‌ی تصحیح خطاهای خویش است، اما تجدیدنظرپذیر و اهل انفعال نیست. بلکه از نظریه‌ی نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌کند.

انقلاب اسلامی همچون پدیده‌ای زنده و بالاراده، همواره دارای انعطاف و آماده‌ی تصحیح خطاهای خویش است، اما تجدیدنظرپذیر و اهل انفعال نیست. به نقدها حساسیت مثبت نشان میدهد و آن را نعمت خدا و هشدار به صاحبان حرفهای بی‌عمل می‌شمارد، اما به هیچ بهانه‌ای از ارزشهایش که بحمدالله با ایمان دینی مردم آمیخته است، فاصله نمیگیرد. انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمیشود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند، بلکه از نظریه‌ی نظام انقلابی (۹) تا ابد دفاع میکند.

جمهوری اسلامی و فاصله‌ی میان بایدها و واقعیت‌ها



بی‌شک فاصله‌ی میان بایدها و واقعیت‌ها طی شدنی است، در مواردی بارها طی شده و بی‌شک در آینده، با حضور نسل جوان مؤمن و دانا و پُرانگیزه، با قدرت بیشتر طی خواهد شد.

جمهوری اسلامی، متحجر و در برابر پدیده‌ها و موقعیت‌های نو به نو، فاقد احساس و ادراک نیست، اما به اصول خود بشدت پایبند و به مرزبندی‌های خود با رقیبان و دشمنان بشدت حساس است. با خطوط اصلی خود هرگز بی‌مبالاتی نمی‌کند و برایش مهم است که چرا بماند و چگونه بماند. بی‌شک فاصله‌ی میان بایدها و واقعیت‌ها، همواره وجدانهای آرمان‌خواه را عذاب داده و میدهد، اما این، فاصله‌ای طی شدنی است و در چهل سال گذشته در مواردی بارها طی شده است و بی‌شک در آینده، با حضور نسل جوان مؤمن و دانا و پُرانگیزه، با قدرت بیشتر طی خواهد شد.

انقلاب اسلامی؛

مایه‌ی سربلندی ایران و ایرانی



این انقلاب از آغاز تا امروز نه بی‌رحم و خون‌ریز بوده و نه منفعل و مردّد. با صراحت و شجاعت در برابر زورگویان و گردنکشان ایستاده و از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است.

انقلاب اسلامی ملت ایران، قدرتمند اما مهربان و باگذشت و حتی مظلوم بوده است. مرتکب افراط‌ها و چپ‌روی‌هایی که مایه‌ی ننگ بسیاری از قیام‌ها و جنبش‌ها است، نشده است. در هیچ معرکه‌ای حتی با آمریکا و صدام، گلوله‌ی اوّل را شلیک نکرده و در همه‌ی موارد، پس از حمله‌ی دشمن از خود

دفاع کرده و البته ضربت متقابل را محکم فرود آورده است. این انقلاب از آغاز تا امروز نه بی رحم و خونریز بوده و نه منفعل و مردّد. با صراحت و شجاعت در برابر زورگویان و گردنکشان ایستاده و از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است. این جوانمردی و مروّت انقلابی، این صداقت و صراحت و اقتدار، این دامنهی عمل جهانی و منطقه‌ای در کنار مظلومان جهان، مایهی سربلندی ایران و ایرانی است، و همواره چنین باد. (۱۰)

برای برداشتن گام‌های استوار در آینده، باید گذشته را درست شناخت



برای برداشتن گام‌های استوار در آینده، باید گذشته را درست شناخت و از تجربه‌ها درس گرفت؛ اگر از این راهبرد غفلت شود، آینده مورد تهدیدهای ناشناخته قرار خواهد گرفت.

اینک در آغاز فصل جدیدی از زندگی جمهوری اسلامی، این بنده‌ی ناچیز مایلم با جوانان عزیزم، نسلی که پا به میدان عمل میگذارد تا بخش دیگری از جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ را آغاز کند، سخن بگویم. سخن اوّل درباره‌ی گذشته است.

عزیزان! نادانسته‌ها را جز با تجربه‌ی خود یا گوش سپردن به تجربه‌ی دیگران نمیتوان دانست. بسیاری از آنچه را ما دیده و آزموده‌ایم، نسل شما هنوز نیازموده و ندیده است. ما دیده‌ایم و شما خواهید دید. دهه‌های آینده دهه‌های شما است و شما باید کارآزموده و پُرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید و آن را هرچه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدّن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواح‌افاده) است، نزدیک کنید. برای برداشتن گام‌های استوار در آینده، باید گذشته را درست شناخت و از تجربه‌ها درس گرفت؛ اگر از این راهبرد غفلت شود، دروغها به جای حقیقت

خواهند نشست و آینده مورد تهدیدهای ناشناخته قرار خواهد گرفت. دشمنان انقلاب با انگیزه‌ای قوی، تحریف و دروغ‌پردازی درباره‌ی گذشته و حتی زمان حال را دنبال میکنند و از پول و همه‌ی ابزارها برای آن بهره میگیرند. رهنمای فکر و عقیده و آگاهی بسیاری؛ حقیقت را از دشمن و پیاده‌نظامش نمیتوان شنید. (۱۱)

آغاز انقلاب و نظام اسلامی از نقطه‌ی صفر



ترکیب جمهوریت و اسلامیت و ابزارهای تشکیل و پیشرفت آن، جز با هدایت الهی و قلب نورانی و اندیشه‌ی بزرگ امام خمینی (ره)، به دست نیامد. و این نخستین درخشش انقلاب بود.

انقلاب اسلامی و نظام برخاسته از آن، از نقطه‌ی صفر آغاز شد؛ اولاً: همه‌چیز علیه ما بود، چه رژیم فاسد طاغوت که علاوه بر وابستگی و فساد و استبداد و کودتایی بودن، اولین رژیم سلطنتی در ایران بود که به دست بیگانه - و نه به زور شمشیر خود- بر سر کار آمده بود، و چه دولت آمریکا و برخی دیگر از دولتهای غربی، و چه وضع بشدت نابسامان داخلی و عقب‌افتادگی شرم‌آور در علم و فناوری و سیاست و معنویت و هر فضیلت دیگر.

ثانیاً: هیچ تجربه‌ی پیشینی و راه‌طی شده‌ای در برابر ما وجود نداشت. بدیهی است که قیامهای مارکسیستی و امثال آن نمیتوانست برای انقلابی که از متن ایمان و معرفت اسلامی پدید آمده است، الگو محسوب شود. انقلابیون اسلامی بدون سرمشق و تجربه آغاز کردند و ترکیب جمهوریت و اسلامیت و ابزارهای تشکیل و پیشرفت آن، جز با هدایت الهی و قلب نورانی و اندیشه‌ی بزرگ امام خمینی، به دست نیامد. و این نخستین درخشش انقلاب بود. (۱۲)

تقابل دوگانه‌ی جدید «اسلام و استکبار»؛ پدیده‌ی برجسته‌ی جهان معاصر



با سقوط و حذف شوروی و اقمارش و پدید آمدن قطب‌های جدید قدرت،
تقابل دوگانه‌ی جدید «اسلام و استکبار» پدیده‌ی برجسته‌ی جهان
معاصر و کانون توجه جهانیان شد.

پس آنگاه انقلاب ملت ایران، جهان دوقطبی آن روز را به جهان سه‌قطبی تبدیل کرد و سپس با سقوط و حذف شوروی و اقمارش و پدید آمدن قطب‌های جدید قدرت، تقابل دوگانه‌ی جدید «اسلام و استکبار» پدیده‌ی برجسته‌ی جهان معاصر و کانون توجه جهانیان شد. از سویی نگاه امیدوارانه‌ی ملت‌های زیر ستم و جریان‌های آزادی‌خواه جهان و برخی دولتهای مایل به استقلال، و از سویی نگاه کینه‌ورزانه و بدخواهانه‌ی رژیم‌های زورگو و قلدرهای باج‌طلب عالم، بدان دوخته شد. بدین‌گونه مسیر جهان تغییر یافت و زلزله‌ی انقلاب، فرعون‌های در بسترِ راحت آرمیده را بیدار کرد؛ دشمنی‌ها با همه‌ی شدت آغاز شد و اگر نبود قدرت عظیم ایمان و انگیزه‌ی این ملت و رهبری آسمانی و تأییدشده‌ی امام عظیم‌الشأن ما، تاب آوردن در برابر آن همه خصومت و شقاوت و توطئه و خباثت، امکان‌پذیر نمیشد. (۱۳)

مدیریت جهادی و اعتقاد به اصل «ما میتوانیم»؛ عامل عزت و پیشرفت ایران در همه‌ی عرصه‌ها



مدیریت‌های جهادی الهام‌گرفته از ایمان اسلامی و اعتقاد به اصل
«ما میتوانیم» که امام بزرگوار به همه‌ی ما آموخت، ایران را به عزت و
پیشرفت در همه‌ی عرصه‌ها رسانید.

به‌رغم همه‌ی این مشکلات طاقت‌فرسا، جمهوری اسلامی روزبه‌روز
گام‌های بلندتر و استوارتری به جلو برداشت. این چهل سال، شاهد جهادهای

بزرگ و افتخارات درخشان و پیشرفتهای شگفت‌آور در ایران اسلامی است. عظمت پیشرفتهای چهل‌ساله‌ی ملت ایران آنگاه بدرستی دیده می‌شود که این مدّت، با مدّتهای مشابه در انقلابهای بزرگی همچون انقلاب فرانسه و انقلاب اکتبر شوروی و انقلاب هند مقایسه شود. مدیریتهای جهادی الهام‌گرفته از ایمان اسلامی و اعتقاد به اصل «ما میتوانیم» که امام بزرگوار به همهی ما آموخت، ایران را به عزّت و پیشرفت در همهی عرصه‌ها رسانید.

برکات بزرگ انقلاب اسلامی



انقلاب به یک انحطاط تاریخی طولانی پایان داد و کشور که در دوران پهلوی و قاجار بشدّت تحقیر شده و بشدّت عقب مانده بود، در مسیر پیشرفت سریع قرار گرفت؛ در گام نخست، رژیم ننگین سلطنت استبدادی را به حکومت مردمی و مردم‌سالاری تبدیل کرد (۱۴) و عنصر اراده‌ی ملی را که جان‌مایه‌ی پیشرفت همه‌جانبه و حقیقی است در قانون مدیریت کشور وارد کرد؛ آنگاه جوانان را میدان‌دار اصلی حوادث و وارد عرصه‌ی مدیریت کرد؛ روحیه و باور «ما میتوانیم» را به همگان منتقل کرد؛ به برکت تحریم دشمنان، اتّکاء به توانایی داخلی را به همه آموخت و این منشأ برکات بزرگ شد:

یک) ثبات و امنیت و حفظ تمامیت ارضی ایران

اولاً: ثبات و امنیت کشور و تمامیت ارضی و حفاظت از مرزها را که آماج تهدید جدّی دشمنان قرار گرفته بود ضمانت کرد و معجزه‌ی پیروزی در جنگ هشت‌ساله و شکست رژیم بعثی و پشتیبانان آمریکایی و اروپایی و شرقی‌اش را پدید آورد. (۱۵)

دو) موتور پیشران کشور در عرصه‌ی علم و فناوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی و عمرانی

درخشش در رشته‌های مهم و حسّاس، و ده‌ها نمونه‌ی دیگر از پیشرفت، محصول آن روحیه و احساس جمعی است که انقلاب برای کشور به ارمغان آورد. ایران پیش از انقلاب، در تولید علم و فناوری صفر بود، در صنعت به‌جز مونتاز و در علم به‌جز ترجمه هنری نداشت.

ثانیاً: موتور پیشران کشور در عرصه‌ی علم و فناوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی و عمرانی شد که تاکنون ثمرات بالنده‌ی آن روزبه‌روز فراگیرتر میشود. هزاران شرکت دانش‌بنیان، هزاران طرح زیرساختی و ضروری برای کشور در حوزه‌های عمران و حمل‌ونقل و صنعت و نیرو و معدن و سلامت و کشاورزی و آب و غیره، میلیون‌ها تحصیل‌کرده‌ی دانشگاهی یا در حال تحصیل، هزاران واحد دانشگاهی در سراسر کشور، ده‌ها طرح بزرگ از قبیل چرخه‌ی سوخت هسته‌ای، سلول‌های بنیادی، فناوری نانو، زیست‌فناوری و غیره با رتبه‌های نخستین در کل جهان، شصت برابر شدن صادرات غیرنفتی، نزدیک به ده برابر شدن واحدهای صنعتی، ده‌ها برابر شدن صنایع از نظر کیفی، تبدیل صنعت مونتاز به فناوری بومی، برجستگی محسوس در رشته‌های گوناگون مهندسی از جمله در صنایع دفاعی، درخشش در رشته‌های مهم و حسّاس پزشکی و جایگاه مرجعیت در آن و ده‌ها نمونه‌ی دیگر از پیشرفت، محصول آن روحیه و آن حضور و آن احساس جمعی است که انقلاب برای کشور به ارمغان آورد. ایران پیش از انقلاب، در تولید علم و فناوری صفر بود، در صنعت به‌جز مونتاز و در علم به‌جز ترجمه هنری نداشت. (۱۶)

سه) به اوج رسانیدن مشارکت مردمی و مسابقه‌ی خدمت‌رسانی

ثالثاً: مشارکت مردمی را در مسائل سیاسی مانند انتخابات، مقابله با فتنه‌های داخلی، حضور در صحنه‌های ملی و استکبارستیزی به اوج رسانیدن و در موضوعات اجتماعی مانند کمک‌رسانی‌ها و فعالیتهای نیکوکاری که از

پیش از انقلاب آغاز شده بود، افزایش چشمگیر داد. پس از انقلاب، مردم در مسابقه‌ی خدمت‌رسانی در حوادث طبیعی و کمبودهای اجتماعی مشتاقانه شرکت میکنند.

چهار) ارتقاء شگفت‌آور بینش سیاسی آحاد مردم

رابعاً: بینش سیاسی آحاد مردم و نگاه آنان به مسائل بین‌المللی را به گونه‌ی شگفت‌آوری ارتقاء داد. تحلیل سیاسی و فهم مسائل بین‌المللی در موضوعاتی همچون جنایات غرب بخصوص آمریکا، مسئله‌ی فلسطین و ظلم تاریخی به ملت آن، مسئله‌ی جنگ‌افروزی‌ها و رذالتها و دخالت‌های قدرتهای قلدر در امور ملتها و امثال آن را از انحصار طبقه‌ی محدود و عزلت‌گزیده‌ای به نام روشنفکر، بیرون آورد؛ این‌گونه، روشنفکری میان عموم مردم در همه‌ی کشور و همه‌ی ساحت‌های زندگی جاری شد و مسائلی از این دست حتی برای نوجوانان و نونهالان، روشن و قابل فهم گشت.

پنج) سنگین کردن کفه‌ی عدالت در تقسیم امکانات عمومی کشور

واقعیت آن است که دستاوردهای مبارزه با بی‌عدالتی در این چهار دهه، با هیچ دوره‌ی دیگر گذشته قابل مقایسه نیست. البته عدالت مورد انتظار در جمهوری اسلامی که بسی برتر از اینها است و چشم امید برای اجرای آن به شما جوانها است.

خامساً: کفه‌ی عدالت را در تقسیم امکانات عمومی کشور سنگین کرد. نارضایتی این حقیر از کارکرد عدالت در کشور به دلیل آنکه این ارزش والا باید گوهر بی‌همتا بر تارک نظام جمهوری اسلامی باشد و هنوز نیست، نباید به این معنی گرفته شود که برای استقرار عدالت کار انجام نگرفته است. واقعیت آن است که دستاوردهای مبارزه با بی‌عدالتی در این چهار دهه، با هیچ دوره‌ی دیگر گذشته قابل مقایسه نیست. (۱۷) در رژیم طاغوت بیشترین خدمات و درآمدهای کشور در اختیار گروه کوچکی از پایتخت‌نشینان یا همسانان آنان

در برخی دیگر از نقاط کشور بود. مردم بیشتر شهرها بویژه مناطق دوردست و روستاها در آخر فهرست و غالباً محروم از نیازهای اولیه‌ی زیرساختی و خدمت‌رسانی بودند. جمهوری اسلامی در شمار موفق‌ترین حاکمیت‌های جهان در جابه‌جایی خدمت و ثروت از مرکز به همه‌جای کشور، و از مناطق مرفه‌نشین شهرها به مناطق پایین‌دست آن بوده است. آمار بزرگ راه‌سازی و خانه‌سازی و ایجاد مراکز صنعتی و اصلاح امور کشاورزی و رساندن برق و آب و مراکز درمانی و واحدهای دانشگاهی و سد و نیروگاه و امثال آن به دورترین مناطق کشور، حقیقتاً افتخارآفرین است؛ بی‌شک این همه، نه در تبلیغات نارسای مسئولان انعکاس یافته و نه زبان بدخواهان خارجی و داخلی به آن اعتراف کرده است؛ ولی هست و حسنه‌ای برای مدیران جهادی و بااخلاص نزد خدا و خلق است. البته عدالت مورد انتظار در جمهوری اسلامی که مایل است پیرو حکومت علوی شناخته شود، بسی برتر از اینها است و چشم امید برای اجرای آن به شما جوانها است که در ادامه بدان خواهیم پرداخت.

شش) افزایش چشمگیر معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه

رویکرد دینی و اخلاقی در جمهوری اسلامی، دل‌های مستعد و نورانی بویژه جوانان را مجذوب کرد و فضا به سود دین و اخلاق دگرگون شد. و این معجزه‌های دیگر از انقلاب و نظام اسلامی فعال و پیشرو است.

سادساً: عیار معنویت و اخلاق را در فضای عمومی جامعه بگونه‌ای چشمگیر افزایش داد. این پدیده‌ی مبارک را رفتار و منش حضرت امام خمینی در طول دوران مبارزه و پس از پیروزی انقلاب، بیش از هر چیز رواج داد؛ آن انسان معنوی و عارف و وارسته از پیرایه‌های مادی، در رأس کشوری قرار گرفت که مایه‌های ایمان مردمش بسی ریشه‌دار و عمیق بود. هرچند دست تطاؤل تبلیغات مروج فساد و بی‌بندوباری در طول دوران پهلوی‌ها به آن ضربه‌های سخت زده و لجن‌زاری از آلودگی اخلاقی غربی را به درون زندگی

مردم متوسط و بخصوص جوانان کشانده بود، ولی رویکرد دینی و اخلاقی در جمهوری اسلامی، دل‌های مستعد و نورانی بویژه جوانان را مجذوب کرد و فضا به سود دین و اخلاق دگرگون شد. مجاهدتهای جوانان در میدانهای سخت از جمله دفاع مقدس، با ذکر و دعا و روحیه‌ی برادری و ایثار همراه شد و ماجراهای صدر اسلام را زنده و نمایان در برابر چشم همه نهاد. پدران و مادران و همسران با احساس وظیفه‌ی دینی از عزیزان خود که به جبهه‌های گوناگون جهاد می‌شتافتند دل‌کنند و سپس، آنگاه که با پیکر خون‌آلود یا جسم آسیب‌دیده‌ی آنان روبه‌رو شدند، مصیبت را با شکر همراه کردند. مساجد و فضا‌های دینی رونقی بی‌سابقه گرفت. صف نوبت برای اعتکاف از هزاران جوان و استاد و دانشجو و زن و مرد و صف نوبت برای اردوهای جهادی و جهاد سازندگی و بسیج سازندگی از هزاران جوان داوطلب و فداکار آکنده شد. نماز و حج و روزه‌داری و پیاده‌روی زیارت و مراسم گوناگون دینی و انفاقات و صدقات واجب و مستحب در همه‌جا بویژه میان جوانان رونق یافت و تا امروز، روزبه‌روز بیشتر و باکیفیت‌تر شده است. و اینها همه در دورانی اتفاق افتاده که سقوط اخلاقی روزافزون غرب و پیروانش و تبلیغات پُر حجم آنان برای کشاندن مرد و زن به لجنزارهای فساد، اخلاق و معنویت را در بخشهای عمده‌ی عالم منزوی کرده است؛ و این معجزه‌های دیگر از انقلاب و نظام اسلامی فعال و پیشرو است.

هفت) ایستادگی روزافزون در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان

قدرت‌های انحصارگر جهان که همواره حیات خود را در دست‌اندازی به استقلال دیگر کشورها و پایمال کردن منافع حیاتی آن‌ها برای مقاصد شوم خود دانسته‌اند، در برابر ایران اسلامی و انقلابی، اعتراف به ناتوانی کردند.

سابقاً: نماد پُراپهت و باشکوه و افتخارآمیز ایستادگی در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان و در رأس آنان آمریکای جهان‌خوار و جنایت‌کار،

روزبه‌روز برجسته‌تر شد. در تمام این چهل سال، تسلیم‌ناپذیری و صیانت و پاسداری از انقلاب و عظمت و هیبت الهی آن و گردن برافراشته‌ی آن در مقابل دولتهای متکبر و مستکبر، خصوصیت شناخته‌شده‌ی ایران و ایرانی بویژه جوانان این مرز و بوم به‌شمار میرفته است. قدرتهای انحصارگر جهان که همواره حیات خود را در دست‌اندازی به استقلال دیگر کشورها و پایمال کردن منافع حیاتی آنها برای مقاصد شوم خود دانسته‌اند، در برابر ایران اسلامی و انقلابی، اعتراف به ناتوانی کردند. ملت ایران در فضای حیات‌بخش انقلاب توانست نخست دست‌نشانده‌ی آمریکا و عنصر خائن به ملت را از کشور براند و پس از آن هم تا امروز از سلطه‌ی دوباره‌ی قلدران جهانی بر کشور با قدرت و شدت جلوگیری کند.

انقلاب چهل‌ساله و گام بزرگ دوم



اگر بی‌توجهی به شعارهای انقلاب و غفلت از جریان انقلابی در برهه‌هایی از تاریخ چهل‌ساله نمی‌بود دستاوردهای انقلاب از این بسی بیشتر و کشور در مسیر رسیدن به آرمان‌های بزرگ بسی جلوتر بود و بسیاری از مشکلات کنونی وجود نمی‌داشت.

جوانان عزیز! اینها بخشی محدود از سرفصل‌های عمده در سرگذشت چهل‌ساله‌ی انقلاب اسلامی است؛ انقلاب عظیم و پایدار و درخشانی که شما به توفیق الهی باید گام بزرگ دوم را در پیشبرد آن بردارید. محصول تلاش چهل‌ساله، اکنون برابر چشم ما است: کشور و ملتی مستقل، آزاد، مقتدر، باعزت، متدین، پیشرفته در علم، انباشته از تجربه‌هایی گران‌بها، مطمئن و امیدوار، دارای تأثیر اساسی در منطقه و دارای منطق قوی در مسائل جهانی، رکورددار در شتاب پیشرفتهای علمی، رکورددار در رسیدن به رتبه‌های بالا در دانشها و فناوری‌های مهم از قبیل هسته‌ای و سلول‌های بنیادی و نانو و هوافضا و امثال آن، سرآمد در گسترش خدمات اجتماعی، سرآمد در انگیزه‌های جهادی میان جوانان، سرآمد در جمعیت جوان کارآمد،

و بسی ویژگی‌های افتخارآمیز دیگر که همگی محصول انقلاب و نتیجه‌ی جهت‌گیری‌های انقلابی و جهادی است. و بدانید که اگر بی‌توجهی به شعارهای انقلاب و غفلت از جریان انقلابی در برهه‌هایی از تاریخ چهل‌ساله نمی‌بود - که متأسفانه بود و خسارت‌بار هم بود - بی‌شک دستاوردهای انقلاب از این بسی بیشتر و کشور در مسیر رسیدن به آرمانهای بزرگ بسی جلوتر بود و بسیاری از مشکلات کنونی وجود نداشت. (۱۸)

اقتدار انقلاب اسلامی و تغییر چالش‌ها و شکست مستکبران



و اگر آن روز «اوایل انقلاب»، مشکل غرب جلوگیری از خرید تسلیحات ابتدایی برای ایران بود، امروز مشکل او جلوگیری از انتقال سلاح‌های پیشرفته‌ی ایرانی به نیروهای مقاومت است.

ایران مقتدر، امروز هم مانند آغاز انقلاب با چالشهای مستکبران روبه‌رو است اما با تفاوتی کاملاً معنی‌دار. اگر آن روز چالش با آمریکا بر سر کوتاه کردن دست عمال بیگانه یا تعطیلی سفارت رژیم صهیونیستی در تهران یا رسوا کردن لانه‌ی جاسوسی بود، امروز چالش بر سر حضور ایران مقتدر در مرزهای رژیم صهیونیستی و برچیدن بساط نفوذ نامشروع آمریکا از منطقه‌ی غرب آسیا و حمایت جمهوری اسلامی از مبارزات مجاهدان فلسطینی در قلب سرزمین‌های اشغالی و دفاع از پرچم برافراشته‌ی حزب‌الله و مقاومت در سراسر این منطقه است. و اگر آن روز، مشکل غرب جلوگیری از خرید تسلیحات ابتدایی برای ایران بود، امروز مشکل او جلوگیری از انتقال سلاحهای پیشرفته‌ی ایرانی به نیروهای مقاومت است. و اگر آن روز گمان آمریکا آن بود که با چند ایرانی خودفروخته یا با چند هواپیما و بالگرد خواهد توانست بر نظام اسلامی و ملت ایران فائق آید، امروز برای مقابله‌ی سیاسی و امنیتی با جمهوری اسلامی، خود را محتاج به یک ائتلاف بزرگ از ده‌ها دولت معاند

یا مرعوب میبیند و البته باز هم در رویارویی، شکست میخورد. ایران به برکت انقلاب، اکنون در جایگاهی متعالی و شایسته‌ی ملت ایران در چشم جهانیان و عبور کرده از بسی گردنه‌های دشوار در مسائل اساسی خویش است. (۱۹)

جوانان؛ محور تحقق نظام پیشرفته‌ی اسلامی



جوانان از تجربه‌ها و عبرت‌های گذشته بهره گیرند، نگاه انقلابی و روحیه‌ی انقلابی و عمل جهادی را به کار بندند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته‌ی اسلامی بسازند.

اما راه طی شده فقط قطعه‌ای از مسیر افتخارآمیز به سوی آرمانهای بلند نظام جمهوری اسلامی است. دنباله‌ی این مسیر که به گمان زیاد، به دشواری گذشته‌ها نیست، باید با همت و هشیاری و سرعت عمل و ابتکار شما جوانان طی شود. مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، در همه‌ی میدانهای سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین و اخلاق و معنویت و عدالت، باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند، از تجربه‌ها و عبرت‌های گذشته بهره گیرند، نگاه انقلابی و روحیه‌ی انقلابی (۲۰) و عمل جهادی را به کار بندند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته‌ی اسلامی بسازند. (۲۱)

نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی؛ مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور



نکته‌ی مهمی که باید آینده‌سازان در نظر داشته باشند، این است که در کشوری زندگی میکنند که از نظر ظرفیتهای طبیعی و انسانی، کم‌نظیر است و بسیاری از این ظرفیتهای با غفلت دست‌اندرکاران تاکنون بی‌استفاده یا کم‌استفاده مانده است. همت‌های بلند و انگیزه‌های جوان و انقلابی، خواهند

توانست آنها را فعال و در پیشرفت مادی و معنوی کشور به معنی واقعی جهش ایجاد کنند.

مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی است. جمعیت جوان زیر ۴۰ سال که بخش مهمی از آن نتیجه‌ی موج جمعیتی ایجادشده در دهه‌ی ۶۰ است، فرصت ارزشمندی برای کشور است. ۳۶ میلیون نفر در سنین میانه‌ی ۱۵ و ۴۰ سالگی، نزدیک به ۱۴ میلیون نفر دارای تحصیلات عالی، رتبه‌ی دوم جهان در دانش‌آموختگان علوم و مهندسی، انبوه جوانانی که با روحیه‌ی انقلابی رشد کرده و آماده‌ی تلاش جهادی برای کشورند، و جمع چشمگیر جوانان محقق و اندیشمندی که به آفرینشهای علمی و فرهنگی و صنعتی و غیره اشتغال دارند؛ اینها ثروت عظیمی برای کشور است که هیچ اندوخته‌ی مادی با آن مقایسه نمیتواند شد.

فهرست طولانی فرصت‌های مادی کشور



گفته شده است که ایران از نظر ظرفیت‌های استفاده‌نشده‌ی طبیعی و انسانی در رتبه‌ی اول جهان است. بی‌شک شما جوانان مؤمن و پرتلاش خواهید توانست این عیب بزرگ را برطرف کنید.

به‌جز اینها، فرصت‌های مادی کشور نیز فهرستی طولانی را تشکیل میدهد که مدیران کارآمد و پُرانگیزه و خردمند میتوانند با فعال کردن و بهره‌گیری از آن، درآمدهای ملی را با جهشی نمایان افزایش داده و کشور را ثروتمند و بی‌نیاز و به معنی واقعی دارای اعتمادبه‌نفس کنند و مشکلات کنونی را برطرف نمایند. ایران با دارا بودن یک درصد جمعیت جهان، دارای ۷ درصد ذخایر معدنی جهان است: منابع عظیم زیرزمینی، موقعیت استثنائی جغرافیایی میان شرق و غرب و شمال و جنوب، بازار بزرگ ملی، بازار بزرگ منطقه‌ای با داشتن ۱۵ همسایه با ۶۰۰ میلیون جمعیت، سواحل دریایی

طولانی، حاصلخیزی زمین با محصولات متنوع کشاورزی و باغی، اقتصاد بزرگ و متنوع، بخشهایی از ظرفیتهای کشور است؛ بسیاری از ظرفیتهای دست نخورده مانده است. گفته شده است که ایران از نظر ظرفیتهای استفاده نشده‌ی طبیعی و انسانی در رتبه‌ی اول جهان است. (۲۲) بی‌شک شما جوانان مؤمن و پرتلاش خواهید توانست این عیب بزرگ را برطرف کنید. دهه‌ی دوم چشم‌انداز، باید زمان تمرکز بر بهره‌برداری از دستاوردهای گذشته و نیز ظرفیتهای استفاده نشده باشد و پیشرفت کشور از جمله در بخش تولید و اقتصاد ملی ارتقاء یابد.

گام دوم و سرفصل‌ها و توصیه‌های اساسی در پرتو امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده



اما پیش از همه‌چیز، نخستین توصیه‌ی من امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه‌ی قفل‌ها، هیچ گامی نمی‌توان برداشت.

اکنون به شما فرزندان عزیزم در مورد چند سرفصل اساسی توصیه‌هایی میکنم. این سرفصل‌ها عبارتند از: علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن، سبک زندگی.

اما پیش از همه‌چیز، نخستین توصیه‌ی من امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه‌ی قفل‌ها، هیچ گامی نمیتوان برداشت. آنچه میگویم یک امید صادق و متکی به واقعیتهای عینی است. اینجانب همواره از امید کاذب و فریبنده دوری جستم، اما خود و همه را از نومییدی بیجا و ترس کاذب نیز برحذر داشته‌ام و برحذر میدارم. در طول این چهل سال - و اکنون مانند همیشه - سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن و فعال‌ترین برنامه‌های آن، مایوس‌سازی مردم و حتی مسئولان و مدیران ما از آینده است. خبرهای

دروغ، تحلیل‌های مغرضانه، وارونه نشان دادن واقعیتها، پنهان کردن جلوه‌های امیدبخش، بزرگ کردن عیوب کوچک و کوچک نشان دادن یا انکار محسنات بزرگ، برنامه‌ی همیشگی هزاران رسانه‌ی صوتی و تصویری و اینترنتی دشمنان ملت ایران است؛ و البته دنباله‌های آنان در داخل کشور نیز قابل مشاهده‌اند که با استفاده از آزادی‌ها در خدمت دشمن حرکت میکنند. شما جوانان باید پیش‌گام در شکستن این محاصره‌ی تبلیغاتی باشید. در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهید. ترس و نومیدی را از خود و دیگران برانید. این نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد شما است. نشانه‌های امیدبخش - که به برخی از آنها اشاره شد - در برابر چشم شما است. رویشهای انقلاب بسی فراتر از ریزشها است و دست‌ودل‌های امین و خدمتگزار، بمراتب بیشتر از مفسدان و خائنان و کیسه‌دوختگان است. دنیا به جوان ایرانی و پایداری ایرانی و ابتکارهای ایرانی، در بسیاری از عرصه‌ها با چشم تکریم و احترام مینگرد. قدر خود را بدانید و با قوت خداداد، به سوی آینده خیز بردارید و حماسه بیافرینید.

و اما توصیه‌ها:



یک) علم و پژوهش

ولی اینک مطالبه‌ی عمومی من از شما جوانان آن است که این راه (پیشرفت علمی) را با احساس مسئولیت بیشتر و همچون یک جهاد در پیش گیرید. به پاخیزید و دشمن بدخواه و کینه‌توز را که از جهاد علمی شما بشدت بیمناک است ناکام سازید.

دانش، آشکارترین وسیله‌ی عزت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دویست‌ساله فراهم کند و با وجود تهیدستی در بنیادهای اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب‌مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آنها را به دست گیرد. ما به سوءاستفاده

از دانش مانند آنچه غرب کرد، توصیه نمیکنیم، اما مؤکداً به نیاز کشور به جوشاندن چشمه‌ی دانش در میان خود اصرار می‌ورزیم. بحمدالله استعداد علم و تحقیق در ملت ما از متوسط جهان بالاتر است. اکنون نزدیک به دو دهه است که رستاخیز علمی در کشور آغاز شده و با سرعتی که برای ناظران جهانی غافلگیرکننده بود - یعنی یازده برابر شتاب رشد متوسط علم در جهان - به پیش رفته است. دستاوردهای دانش و فناوری ما در این مدت که ما را به رتبه‌ی شانزدهم در میان بیش از دویست کشور جهان رسانید و مایه‌ی شگفتی ناظران جهانی شد و در برخی از رشته‌های حساس و نوپدید به رتبه‌های نخستین ارتقاء داد، همه‌وهمه در حالی اتفاق افتاده که کشور دچار تحریم مالی و تحریم علمی بوده است. ما با وجود شنا در جهت مخالف جریان دشمن‌ساز، به رکوردهای بزرگ دست یافته‌ایم و این نعمت بزرگی است که به‌خاطر آن باید روز و شب خدا را سپاس گفت. (۲۳)

اما آنچه من می‌خواهم بگویم این است که این راه طی شده، با همه‌ی اهمیتش فقط یک آغاز بوده است و نه بیشتر. ما هنوز از قله‌های دانش جهان بسیار عقبیم؛ باید به قله‌ها دست یابیم. باید از مرزهای کنونی دانش در مهم‌ترین رشته‌ها عبور کنیم. ما از این مرحله هنوز بسیار عقبیم؛ ما از صفر شروع کرده‌ایم. عقب‌ماندگی شرم‌آور علمی در دوران پهلوی‌ها و قاجارها در هنگامی که مسابقه‌ی علمی دنیا تازه شروع شده بود، ضربه‌ی سختی بر ما وارد کرده و ما را از این کاروان شتابان، فرسنگها عقب نگه داشته بود. ما اکنون حرکت را آغاز کرده و با شتاب پیش می‌رویم ولی این شتاب باید سالها با شدت بالا ادامه یابد تا آن عقب‌افتادگی جبران شود. اینجانب همواره به دانشگاه‌ها و دانشگاهیان و مراکز پژوهش و پژوهندگان، گرم و قاطع و جدی در این باره تذکر و هشدار و فراخوان داده‌ام، ولی اینک مطالبه‌ی عمومی من از شما جوانان آن است که این راه را با احساس مسئولیت بیشتر و همچون یک جهاد در پیش گیرید. سنگ بنای یک انقلاب علمی در کشور گذاشته شده و این انقلاب، شهیدانی از قبیل شهدای هسته‌ای نیز داده است. به‌پاخیزید و دشمن بدخواه

و کینه‌توز را که از جهاد علمی شما بشدت بیمناک است ناکام سازید.

دو) معنویت و اخلاق

معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده‌ی همه‌ی حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ مسئولین با کانون‌های ضدّ معنویت و اخلاق، به شیوه‌ی معقول بستیزند و خلاصه اجازه ندهند که جهنمی‌ها مردم را با زور و فریب، جهنمی کنند.

معنویت به معنی برجسته کردن ارزشهای معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است، و اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است. معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده‌ی همه‌ی حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آنها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند. (۲۴)

شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می‌آورد؛ این، بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومتها توفیق چندانی نخواهد یافت. اخلاق و معنویت، البته با دستور و فرمان به دست نمی‌آید، پس حکومتها نمیتوانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند، اما اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند، و ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند؛ با کانونهای ضدّ معنویت و اخلاق، به شیوه‌ی معقول بستیزند و خلاصه اجازه ندهند که جهنمی‌ها مردم را با زور و فریب، جهنمی کنند. (۲۵)

ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر، امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانونهای ضدّ معنویت و ضدّ اخلاق نهاده است و هم‌اکنون تهاجم روزافزون دشمنان به دلهای پاک جوانان و نوجوانان و حتی نونهالان با بهره‌گیری از این ابزارها را به

چشم خود می‌بینیم. دستگاه‌های مسئول حکومتی در این باره وظایفی سنگین بر عهده دارند که باید هوشمندانه و کاملاً مسئولانه صورت گیرد. و این البته به معنی رفع مسئولیت از اشخاص و نهادهای غیر حکومتی نیست. در دوره‌ی پیش‌رو باید در این باره‌ها برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت جامعی تنظیم و اجرا شود؛ ان شاء الله.

سه) اقتصاد

همه‌ی راه‌حل‌ها در داخل کشور است. اینکه کسی گمان کند که مشکلات اقتصادی صرفاً ناشی از تحریم است و علت تحریم هم مقاومت ضد استکباری و تسلیم نشدن در برابر دشمن است؛ خطایی نابخشودنی است.

اقتصاد یک نقطه‌ی کلیدی تعیین‌کننده است. اقتصاد قوی، نقطه‌ی قوت و عامل مهم سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه‌ی ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است. فقر و غنا در مادیات و معنویات بشر، اثر می‌گذارد. اقتصاد البته هدف جامعه‌ی اسلامی نیست، اما وسیله‌ای است که بدون آن نمیتوان به هدفها رسید. تأکید بر تقویت اقتصاد مستقل کشور که مبتنی بر تولید انبوه و باکیفیت، و توزیع عدالت‌محور، و مصرف به‌اندازه و بی‌اسراف، و مناسبات مدیریتی خردمندانه است و در سالهای اخیر از سوی اینجانب بارها تکرار و بر آن تأکید شده (۲۶)، به‌خاطر همین تأثیر شگرفی است که اقتصاد میتواند بر زندگی امروز و فردای جامعه بگذارد.

انقلاب اسلامی راه نجات از اقتصاد ضعیف و وابسته و فاسد دوران طاغوت را به ما نشان داد، ولی عملکردهای ضعیف، اقتصاد کشور را از بیرون و درون دچار چالش ساخته است. چالش بیرونی تحریم و وسوسه‌های دشمن است که در صورت اصلاح مشکل درونی، کم‌اثر و حتی بی‌اثر خواهد شد. چالش درونی

عبارت از عیوب ساختاری و ضعفهای مدیریتی است. مهم‌ترین عیوب، وابستگی اقتصاد به نفت، دولتی بودن بخشهایی از اقتصاد که در حیطه‌ی وظایف دولت نیست، نگاه به خارج و نه به توان و ظرفیت داخلی، استفاده‌ی اندک از ظرفیت نیروی انسانی کشور، بودجه‌بندی معیوب و نامتوازن، و سرانجام عدم ثبات سیاستهای اجرائی اقتصاد و عدم رعایت اولویتهای وجود هزینه‌های زائد و حتی مسرفانه در بخشهایی از دستگاه‌های حکومتی است. نتیجه‌ی اینها مشکلات زندگی مردم از قبیل بیکاری جوانها، فقر درآمدی در طبقه‌ی ضعیف و امثال آن است.

راه‌حلّ این مشکلات، سیاستهای اقتصاد مقاومتی است که باید برنامه‌های اجرائی برای همه‌ی بخشهای آن تهیه و با قدرت و نشاط کاری و احساس مسئولیت، در دولتها پیگیری و اقدام شود. درون‌زایی اقتصاد کشور، مولّد شدن و دانش‌بنیان شدن آن، مردمی کردن اقتصاد و تصدیگری نکردن دولت، برون‌گرایی با استفاده از ظرفیتهایی که قبلاً به آن اشاره شد، بخشهای مهمّ این راه‌حل‌ها است. بی‌گمان یک مجموعه‌ی جوان و دانا و مؤمن و مسلّط بر دانسته‌های اقتصادی در درون دولت خواهند توانست به این مقاصد برسند. دوران پیش‌رو باید میدان فعالیتّ چنین مجموعه‌ای باشد. (۲۷)

جوانان عزیز در سراسر کشور بدانند که همه‌ی راه‌حل‌ها در داخل کشور است. اینکه کسی گمان کند که «مشکلات اقتصادی صرفاً ناشی از تحریم است» (۲۸) و علت تحریم هم مقاومت ضدّ استکباری و تسلیم نشدن در برابر دشمن است؛ پس راه‌حل، زانو زدن در برابر دشمن و بوسه زدن بر پنجه‌ی گرگ است! خطایی نابخشودنی است. این تحلیل سراپا غلط، هرچند گاه از زبان و قلم برخی غفلت‌زدگان داخلی صادر میشود، اما منشأ آن، کانونهای فکر و توطئه‌ی خارجی است که با صد زبان به تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران و افکار عمومی داخلی القاء میشود. (۲۹)

چهار) عدالت و مبارزه با فساد

به جوانان عزیزی که آینده‌ی کشور، چشم‌انتظار آن‌ها است صریحاً می‌گوییم آنچه تاکنون شده با آنچه باید می‌شده و بشود، دارای فاصله‌ای ژرف است. ولی برای اجرای شایسته‌ی آن، چشم‌امید به شما جوان‌ها است

این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، توده‌ی چرکین کشورها و نظامها و اگر در بدنه‌ی حکومتها عارض شود، زلزله‌ی ویرانگر و ضربه‌زننده به مشروعیت آنها است؛ و این برای نظامی چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیت‌های مرسوم و مبنائی‌تر از مقبولیت اجتماعی است، بسیار جدی‌تر و بنیانی‌تر از دیگر نظامها است. وسوسه‌ی مال و مقام و ریاست، حتی در علوی‌ترین حکومت تاریخ یعنی حکومت خود حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) کسانی را لغزاند (۳۰)، پس خطر بروز این تهدید در جمهوری اسلامی هم که روزی مدیران و مسئولانش مسابقه‌ی زهد انقلابی و ساده‌زیستی میدادند، هرگز بعید نبوده و نیست؛ و این ایجاب میکند که دستگاهی کارآمد با نگاهی تیزبین و رفتاری قاطع در قوای سه‌گانه حضور دائم داشته باشد و به‌معنای واقعی با فساد مبارزه کند، بویژه در درون دستگاه‌های حکومتی.

البته نسبت فساد در میان کارگزاران حکومت جمهوری اسلامی در مقایسه با بسیاری از کشورهای دیگر و بخصوص با رژیم طاغوت که سرتاپا فساد و فسادپرور بود، بسی کمتر است و بحمدالله مأموران این نظام غالباً سلامت خود را نگاه داشته‌اند، ولی حتی آنچه هست غیر قابل قبول است. همه باید بدانند که طهارت اقتصادی شرط مشروعیت همه‌ی مقامات حکومت جمهوری اسلامی است. همه باید از شیطان حرص برحذر باشند و از لقمه‌ی حرام بگریزند و از خداوند در این باره کمک بخواهند و دستگاه‌های نظارتی و دولتی باید با قاطعیت و حساسیت، از تشکیل نطفه‌ی فساد پیشگیری و با رشد آن

مبارزه کنند. این مبارزه نیازمند انسانهایی باایمان و جهادگر، و منیع الطبع با دستانی پاک و دلهایی نورانی است. این مبارزه بخش اثرگذاری است از تلاش همه‌جانبه‌ای که نظام جمهوری اسلامی باید در راه استقرار عدالت به کار برد (۳۱).

عدالت در صدر هدفهای اولیّی همه‌ی بعثتهای الهی است و در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شأن و جایگاه است؛ این، کلمه‌ای مقدّس در همه‌ی زمانها و سرزمین‌ها است و به‌صورت کامل، جز در حکومت حضرت ولیّ عصر (ارواح‌نافه) میسر نخواهد شد ولی به‌صورت نسبی، همه جا و همه وقت ممکن و فریضه‌ای بر عهده‌ی همه بویژه حاکمان و قدرتمندان است. جمهوری اسلامی ایران در این راه گامهای بلندی برداشته است که قبلاً بدان اشاره‌ای کوتاه رفت؛ و البته در توضیح و تشریح آن باید کارهای بیشتری صورت گیرد و توطئه‌ی واژگونه‌نمایی و لاقل سکوت و پنهان‌سازی که اکنون برنامه‌ی جدی دشمنان انقلاب است، خنثی گردد.

با این همه، اینجانب به جوانان عزیزی که آینده‌ی کشور، چشم‌انتظار آنها است صریحاً می‌گویم آنچه تاکنون شده با آنچه باید میشده و بشود، دارای فاصله‌ای ژرف است. (۳۲) در جمهوری اسلامی، دلهای مسئولان به‌طور دائم باید برای رفع محرومیتهای بتید و از شکافهای عمیق طبقاتی بشدت بیمناک باشد. در جمهوری اسلامی کسب ثروت نه‌تنها جرم نیست که مورد تشویق نیز هست، اما تبعیض در توزیع منابع عمومی و میدان دادن به ویژه‌خواری و مدارا با فریبگران اقتصادی که همه به بی‌عدالتی می‌انجامد، بشدت ممنوع است؛ همچنین غفلت از قشرهای نیازمند حمایت، به‌هیچ‌رو مورد قبول نیست. این سخنان در قالب سیاستها و قوانین، بارها تکرار شده است ولی برای اجرای شایسته‌ی آن، چشم امید به شما جوانها است؛ و اگر زمام‌داره‌ی بخشهای گوناگون کشور به جوانان مؤمن و انقلابی و دانا و کاردان - که بحمدالله کم نیستند - سپرده شود، این امید برآورده خواهد شد؛ ان شاءالله.

پنج) استقلال و آزادی

«استقلال» نباید به معنی زندانی کردن سیاست و اقتصاد کشور در میان مرزهای خود، و «آزادی» نباید در تقابل با اخلاق و قانون و ارزش‌های الهی و حقوق عمومی تعریف شود.

استقلال ملی^(۳۳) به معنی آزادی ملت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرتهای سلطه‌گر جهان است. و آزادی اجتماعی به معنای حق تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه‌ی افراد جامعه است؛ و این هر دو از جمله‌ی ارزشهای اسلامی‌اند و این هر دو عطیّه‌ی الهی به انسانهاست و هیچ کدام تفضّل حکومتها به مردم نیستند. حکومتها موظّف به تأمین این دو اند. منزلت آزادی و استقلال را کسانی بیشتر میدانند که برای آن جنگیده‌اند. ملت ایران با جهاد چهل‌ساله‌ی خود از جمله‌ی آنها است. استقلال و آزادی کنونی ایران اسلامی، دستاورد، بلکه خون‌آوردِ صدها هزار انسان والا و شجاع و فداکار است؛ غالباً جوان، ولی همه در رتبه‌های رفیع انسانیت. این ثمر شجره‌ی طیّبه‌ی انقلاب را با تأویل و توجیه‌های ساده‌لوحانه و بعضاً مغرضانه، نمیتوان در خطر قرار داد. همه -مخصوصاً دولت جمهوری اسلامی- موظّف به حراست از آن با همه‌ی وجودند. بدیهی است که «استقلال» نباید به معنی زندانی کردن سیاست و اقتصاد کشور در میان مرزهای خود، و «آزادی» نباید در تقابل با اخلاق و قانون و ارزشهای الهی و حقوق عمومی تعریف شود.^(۳۴)

شش) عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن

دولت جمهوری اسلامی باید مرزبندی خود را با آن‌ها با دقت حفظ کند؛ از ارزش‌های انقلابی و ملی خود، یک گام هم عقب‌نشینی نکند؛ از تهدیدهای پوچ آنان نهراسد؛ و در همه حال، عزت کشور و ملت خود را در نظر داشته باشد

این هر سه، شاخه‌هایی از اصل «عزت، حکمت، و مصلحت» در روابط بین‌المللی‌اند. صحنه‌ی جهانی، امروز شاهد پدیده‌هایی است که تحقق یافته یا در آستانه‌ی ظهورند: تحرک جدید نهضت بیداری اسلامی بر اساس الگوی مقاومت در برابر سلطه‌ی آمریکا و صهیونیسم؛ شکست سیاست‌های آمریکا در منطقه‌ی غرب آسیا و زمین‌گیر شدن همکاران خائن آنها در منطقه؛ گسترش حضور قدرتمندانه‌ی سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان سلطه. (۳۵)

اینها بخشی از مظاهر عزت جمهوری اسلامی است که جز با شجاعت و حکمت مدیران جهادی به دست نمی‌آید. سردمداران نظام سلطه نگرانند؛ پیشنهادهای آنها عموماً شامل فریب و خدعه و دروغ است. امروز ملت ایران علاوه بر آمریکای جنایت‌کار، تعدادی از دولتهای اروپایی را نیز خدعه‌گر و غیر قابل اعتماد میداند. دولت جمهوری اسلامی باید مرزبندی خود را با آنها با دقت حفظ کند؛ از ارزشهای انقلابی و ملی خود، یک گام هم عقب‌نشینی نکند؛ از تهدیدهای پوچ آنان نهراسد؛ و در همه حال، عزت کشور و ملت خود را در نظر داشته باشد و حکیمانه و مصلحت‌جویانه و البته از موضع انقلابی، مشکلات قابل حل خود را با آنان حل کند. در مورد آمریکا حل هیچ مشکلی متصور نیست و مذاکره با آن جز زیان مادی و معنوی محصولی نخواهد داشت.

هفت) سبک زندگی

مقابله با تلاش غرب در ترویج سبک زندگی، جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه می‌طلبد که باز چشم امید در آن به شما جوان‌ها است.

سخن لازم در این باره بسیار است. آن را به فرصتی دیگر وامی‌گذارم و به همین جمله اکتفا می‌کنم که تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیانهای بی‌جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است؛ مقابله با آن، جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه می‌طلبد که باز چشم امید در آن به شما جوانها است. (۳۶)

در پایان از حضور سرافرازانه و افتخار انگیز و دشمن شکن ملت عزیز در بیست و دوم بهمن و چهلمین سالگرد انقلاب عظیم اسلامی تشکر می‌کنم و پیشانی سپاس بر درگاه حضرت حق می‌سایم. سلام بر حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه)؛ سلام بر ارواح طیبیه شهیدان والامقام و روح مطهر امام بزرگوار؛ و سلام بر همه‌ی ملت عزیز ایران و سلام ویژه به جوانان.

دعاگوی شما

سیدعلی خامنه‌ای

۲۲ بهمن ماه ۱۳۹۷



شرحی بر بیانیه گام دوم انقلاب

۱- چله پر افتخار بدون خیانت به آرمان‌های انقلاب اسلامی: مقام معظم رهبری، آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی و مردم ایران را -که انقلاب بعد از گذشت ۴۰ سال به آن‌ها خیانت نکرده- روشن و واضح می‌دانند و در بیانات متعدد این موضوع را تشریح کرده‌اند. ایشان در این باره می‌فرمایند: «اهداف، اهداف روشنی بود - به وجود آمد. هدف اسلام‌خواهی، هدف استکبارستیزی، هدف حفظ استقلال کشور، هدف کرامت‌بخشی به انسان، هدف دفاع از مظلوم، هدف پیشرفت و اعتلای علمی و فنی و اقتصادی کشور؛ این‌ها اهداف انقلاب بوده. انسان وقتی در فرمایشات امام (رضوان الله علیه) و در اسناد اصلی انقلاب این‌ها را نگاه می‌کند، می‌بیند که همه‌ی این‌ها در متون اسلامی هم ریشه دارد. مردمی بودن، متکی به ایمان مردم، عقاید مردم و انگیزه‌های مردمی و عواطف مردمی، جزو پایه‌های اصلی انقلاب است. این خط ادامه پیدا کرده؛ این خط انحراف پیدا نکرده، این خط زاویه نخورده. امروز سی و دو سال از انقلاب می‌گذرد؛ این خیلی حادثه‌ی مهمی است». (بیانات در دیدار دانشجویان، ۱۳۹۰/۵/۱۹)

در مجموع اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی به سبب ریشه داشتن در فرهنگ و سنت جامعه ایران، موضوعاتی روشن بوده و در جامعه نهادینه شده بود. به صورت کلی در حوزه سیاست تأکید بر حکومت دینی و برخورداری

افراد از حقوق سیاسی (که در جمهوری اسلامی در قالب مردم سالاری دینی تبلور یافت)، استقلال و قطع مداخله بیگانگان (استکبارستیزی)، در حوزه فرهنگ و اجتماع اجرای احکام اسلامی در جامعه، عزت و اعتلای افراد جامعه و بزرگ داشت و اجرای مناسک دینی و در حوزه اقتصاد عدالت و رسیدگی به مستضعفین رؤس آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی را تشکیل می‌دهد.

۲- خودسازی: بزرگ‌ترین هدف تمامی ادیان و پیامبران الهی، انسان سازی و گسترش اخلاق انسانی و خودسازی بوده است. بزرگ‌ترین مربی اخلاق و نمونه عالی فضایل و زیبایی‌ها و تجسم کامل اخلاق ربوبی، رسول گرامی اسلام(ص)، هدف از بعثت و رسالتش را به کمال رساندن مکارم و فضایل اخلاقی می‌دانند: انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق (جز این نیست که من برای کامل کردن مکارم اخلاقی مبعوث شدم).

امام صادق (ع) در حدیثی نورانی می‌فرماید: «خداوند متعال پیامبرانش را با مکارم اخلاق بر دیگران امتیاز بخشید. پس هر کس خود را آراسته به فضایل اخلاق یافت، خداوند را بر این نعمت بزرگ شاکر باشد و هر کس خود را از آن بی‌بهره یافت به درگاه خدا تضرع و زاری کند و آن را از او بخواهد». علیرغم بی‌توجهی‌هایی که در مکاتب بشری نسبت به مسأله انسان سازی وجود دارد و غالباً از آموزش و پرورش، تنها به تعلیم و آموزش- آن هم در حوزه‌های کاملاً محدود اکتفا می‌شود، در حوزه دین و به ویژه دین مقدس اسلام، نه تنها مسأله اخلاق و سازندگی شخصیت معنوی فراموش نشده، بلکه از اولین و اساسی‌ترین مسائل به شمار می‌آید.

خودسازی در اندیشه رهبر معظم انقلاب ابعاد و مؤلفه‌های مختلفی دارد، از جمله خودسازی اخلاقی، روحی، معنوی، ایمانی، دینی، اعتقادی، علمی و فکری، مادی، جسمی و خودسازی از لحاظ کسب تجربه برای ساختن این کشور (۱۳۸۸/۸/۱۲ و ۱۳۸۶/۲/۲۵ و ۱۳۸۱/۸/۱۳ و ۱۳۷۰/۱۰/۱۱ و ۱۳۷۹/۱۲/۹ و ۱۳۷۸/۱۰/۱۹ و ۱۳۷۷/۷/۱۴) تأکید رهبر معظم انقلاب بر خودسازی مسؤولان از این بابت است که، «ما اگر خود را اصلاح کردیم، جامعه

را اصلاح کرده‌ایم» (۱۳۸۰/۹/۲۱) و خودسازی جوانان به این خاطر است که، «این کشور متعلق به جوانان است و جوانان باید این بار امانت سنگین را از نسل پیش از خود تحویل بگیرند و آن را به نسل بعد برسانند» (۱۳۷۰/۱۰/۱۱) و به طور کلی اینکه فرایند پنجگانه انقلاب اسلامی بر خودسازی وابسته است: این‌ها همه‌اش با مراقبت و با تقوا عملی است؛ تقوای فردی و تقوای جماعت و امت حاصل می‌شود (۱۳۸۴/۵/۲۸) امام خمینی (ره) نیز بر این باور بودند که، «انسان تا خودش را نسازد، نمی‌تواند دیگران را بسازد و تا دیگران ساخته نشوند، نمی‌شود که کشور ساخته بشود» (صحیفه امام؛ ج ۱۱، ص ۳۷۹-۳۸۰)

۳- جامعه پردازی: جامعه پردازی یکی از مراحل پنجگانه فرایند انقلاب اسلامی، با هدف رسیدن به جامعه اسلامی است. و این جامعه از نظر رهبر معظم انقلاب جامعه‌ای که در آن، آرمان‌های اسلامی، اهداف اسلامی، آرزوهای بزرگی که اسلام برای بشر ترسیم کرده است، تحقق پیدا کند. جامعه‌ی عادل، برخوردار از عدالت، جامعه‌ی آزاد، جامعه‌ای که مردم در آن، در اداره‌ی کشور، در آینده‌ی خود، در پیشرفت خود دارای نقشند، دارای تأثیرند، جامعه‌ای دارای عزت ملی و استغنائی ملی، جامعه‌ای برخوردار از رفاه و مبرای از فقر و گرسنگی، جامعه‌ای دارای پیشرفت‌های همه‌جانبه - پیشرفت علمی، پیشرفت اقتصادی، پیشرفت سیاسی - و بالاخره جامعه‌ای بدون سکون، بدون رکود، بدون توقف و در حال پیشروی دائم؛ این آن جامعه‌ای است که ما دنبالش هستیم. البته این جامعه تحقق پیدا نکرده، ولی ما دنبال این هستیم که این جامعه تحقق پیدا کند. (۱۳۹۰/۷/۲۲)

۴- تمدن سازی: وقتی کشور اسلامی پدید آمد، تمدن اسلامی به وجود خواهد آمد؛ آن وقت فرهنگ اسلامی فضای عمومی بشریت را فرا خواهد گرفت. از کشور اسلامی می‌شود دنیای اسلامی درست کرد. الگو که درست شد، نظایرش در دنیا به وجود می‌آید. (۷۹/۹/۱۲)

۵- پیروزی انقلاب اسلامی آغازگر عصر جدید: به اذعان کارشناسان و آگاهان مسائل سیاسی و بین المللی، انقلاب اسلامی مردم ایران به رهبری امام خمینی(ره) بزرگترین حادثه قرن محسوب شده و می‌شود؛ و به اعتقاد محققانی نظیر فوکو، انقلاب اسلامی نخستین انقلاب فرامدرن عصر حاضر یا اولین شورش بزرگ علیه نظام‌های زمینی و مدرن‌ترین شکل قیام بوده است. تدا اسکاچپول نویسنده معروف آمریکایی در حوزه بررسی انقلاب‌ها، تفاوت انقلاب اسلامی با دیگر انقلاب‌ها را اینگونه توصیف می‌کند: سقوط رژیم شاه و آغاز نهضت انقلاب ایران از ۱۹۷۷ تا ۱۹۷۹، یک شگفتی ناگهانی برای ناظرین خارجی بود.

از دوستان شاه گرفته تا روزنامه‌نگاران و دانشمندان علوم سیاسی و اجتماعی از جمله آن‌هایی که همچون من به اصطلاح کارشناس انقلاب هستند؛ همه حوادث انقلاب را با حیرت و ناباوری نظاره می‌کردیم. بالاتر از همه، انقلاب ایران پدیده‌ای کاملاً خلاف قاعده و طبیعت بود. این انقلاب محققاً یک انقلاب اجتماعی است، با این حال پروسه انقلاب مخصوصاً حوادثی که منجر به سقوط شاه شد، عللی را که در مطالعه تطبیقی خود بر انقلاب‌های فرانسه، روسیه و چین مطرح کرده بودیم، طرد کرد. انقلاب ایران آشکارا آن قدر مردمی بود و آن قدر روابط اساسی و بنیادهای فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی - اجتماعی را در ایران تغییر داد که حقیقتاً نمونه‌ای از انقلاب‌های اجتماعی - تاریخی بزرگ می‌باشد.

۶ - چپ و راست مدرنیته: مدرنیته به شیوه‌هایی از زندگی یا سازمان اجتماعی مربوط می‌شود که از سده‌ی هفدهم به بعد در اروپا پیدایی یافت و به تدریج نفوذی کم‌وبیش جهانی پیدا کرد «مجموعه اوصاف و خصایص تمدن جدیدی که در طی چند قرن اخیر در اروپا و آمریکای شمالی به وجود آمده است» (گیدنز، ۱۳۹۰: ۴) که مهمترین اصول آن عبارتند از: مادی‌گرایی، انسان‌گرایی (اومانیزم)، فردگرایی، سنت ستیزی، لیبرالیسم و سکولاریسم و جدایی دین از

سیاست. چپ و راست در ادبیات سیاسی هر دو فرآورده مدرنیته هستند. راست محصول دوره اول و دوم مدرنیته است و به اندیشه‌های لیبرالیستی و سرمایه داری دلالت دارد و ایدئولوژی دولت‌های اروپایی و آمریکایی در چارچوب بلوک غرب را تشکیل می‌دهند. چپ زاده دوره سوم مدرنیته است و در برگیرنده اندیشه‌های سوسیالیسم، کمونیسم، و مارکسیسم است و ایدئولوژی اتحاد جماهیر شوروی و بلوک شرق در قرن بیستم را تشکیل می‌داد.

۷- چهل سالگی انقلاب اسلامی، فروپاشی کمونیسم و افول آمریکا:

همانطور که امام خمینی (ره) در سال نو میلادی ۱۹۸۹ طی نامه عبرت‌آموز خویش به گورباچف از صدای شکسته شدن استخوان‌های مارکسیسم سخن به میان آورد و پس از مدت کوتاهی بلوک شرق فرو ریخت، رهبر معظم انقلاب اکنون می‌فرمایند: «بسیاری از سیاست‌ون و جامعه‌شناس‌های معتبر دنیا معتقدند که «قدرت نرم» آمریکا فرسوده شده است» یکی از این افراد فرانسیس فوکویاما، پژوهشگر و تاریخ‌نگار ژاپنی‌الصل و تبعه آمریکا است. او از پیش رو بودن زوال آمریکا اینگونه سخن می‌گوید: (من در کتابم «نظم سیاسی و زوال و انحطاط سیاسی» بزرگ‌ترین مثالی که برای انحطاط سیاسی می‌زنم، نظام آمریکاست. همه نظام‌های دنیا در حال زوال هستند، چه به علت جمود فکری و چه به دلیل سوءاستفاده افراد از قدرتی که در اختیار دارند). جوزف نای در جدیدترین کتابش «آینده قدرت» استدلال می‌کند که در سال‌های آتی، جهان دو تغییر مهم انتقال قدرت و انتشار قدرت از غرب به شرق، را در افق قدرت تجربه خواهد کرد. «فرید زکریا»، نظریه‌پرداز نئورئالیست معتقد است، جهان در حال انتقال از عصر آمریکایی به عصر پس‌آمریکایی است. جهانی که در پیش داریم، جهانی است که در آن ایالات متحده آمریکا، نه رهبری اقتصادی و ژئوپلیتیک آن را بر عهده خواهد داشت و نه بر فرهنگ آن چیره خواهد بود، بلکه قدرت آن سقوط خواهد کرد. «جان ایکنبری»، نظریه‌پرداز روابط بین‌الملل و سیاست خارجی آمریکا در مقاله‌ای با عنوان «آینده نظم جهانی لیبرال» که توسط مجله فارین افرز منتشر شده، معتقد است تغییر

قدرت جهانی و افول قدرت آمریکا و تغییر نظام تک قطبی در جریان است. عصر آمریکا در حال پایان است و نظم جهانی شرقی جایگزین نظم جهانی غربی خواهد شد. ما شاهد پیدایش قدرت‌های نوظهور هستیم؛ در حالی که قدرت آمریکا در حال فرسایش است. «نوام چامسکی»، اندیشمند آمریکایی نیز، آمریکا را امپراطور در حال سقوط معرفی می‌کند.

۸ - شعارهای انقلاب اسلامی، جهانی و فطری است: یکی از مختصات دین اسلام این است که همه تمایلات فطری انسان را در نظر گرفته، هیچ کدام را از قلم نینداخته و برای هیچ کدام سهم بیشتری از حق طبیعی آن‌ها نداده است. به تعبیر شهید مطهری در جهان بینی اسلامی، اصل فطرت مطرح است. مطابق اصل فوق، پروردگار متعال در متن خلقت به انسان یک وجدان شریف و روح ملکوتی عطا فرموده است و همان وجدان شریف در دعوت اسلامی مخاطب قرار گرفته است. (آشنایی با قرآن (تفسیر سوره حمد و بقره)، ص ۱۳۱)

۹ - تبیین نظریه نظام انقلابی: نشریه خط حزب الله وابسته به دفتر حفظ و نشر آثار امام خامنه ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی با نگارش مطلبی تحت عنوان «نه آنارشیسم و نه محافظه کاری» نظریه نظام انقلابی را بدینگونه تبیین کرده است: انقلاب اسلامی اما در این مقطع کنونی با دو جریان مواجه است؛ جریانی که معتقد است برای مطالبه آرمان‌ها و استقرار شعارهای انقلاب حتی می‌توان از ساختارها هم عبور کرد و هیچ کس و هیچ چیز نباید مانع و سد راه این موضوع باشد. آن‌ها معتقدند که علت العلل نهضت اسلامی برپایی کامل آرمان‌ها و شعارهای آن بوده است؛ بنابراین اگر در مسئله‌ای ساختار کنونی جمهوری اسلامی قابلیت تحقق آن آرمان‌ها را نداشت می‌توان از آن هم حتی عبور کرد و معطل نماند! خروجی چنین تفکری چیزی جز آنارشیسم نیست. در حالی که هر سیاستمدار و اهل فکری خوب می‌داند که اگر ساختارهای یک نظام سیاسی را با توضیحات درست و با سر دست گرفتن شعارهای مقدس (مثلاً روحیه انقلابی گری یا عدالت خواهی) زیر سوال رفت اساساً قوام و تداوم جامعه

با مخاطرات عدیده‌ای مواجه خواهد شد. برای همین رهبر انقلاب صراحت فرمودند: «انقلابی‌گری هم فقط در بستر نظام امکان پذیر است این جور نباشد که بعضی نظام را نفی کنند به عنوانی که ما انقلابی هستیم. ارزش‌های نظام ارکان نظام بنیان‌های نظام را زیر سوال ببرند به عنوانی که ما انقلابی هستیم. انقلابی‌گری به معنای ویرانگری نیست. انقلابی‌گری یک مشی صحیح، عاقلانه، پر انگیزه و پر امید و شجاعانه به سمت اهداف والا است. این تعریف معنای انقلابی‌گری است. و این فقط در بستر و مسیر نظام اسلامی یعنی نظام موجود امکان پذیر است. خارج از این امکان پذیر نیست. انقلابی‌گری ساختار شکنی نیست؛ تخریب نظام ناشی از انقلاب نیست». (۹۷/۳/۷)

درست نقطه مقابل این جریان تفکر دیوان‌سالاری و تکنوکراسی قرار دارد؛ جریانی که معتقد است روحیه انقلابی‌گری برای زمان پیروزی انقلاب است، نه استقرار آن. شعارهای انقلاب هم به درد انقلاب کردن می‌خورد و نه حکومت کردن؛ از نظر اینان انقلاب و انقلابی‌گری محصول تب تند جامعه است و بنابراین بلافاصله بعد از پیروزی، می‌بایست به وضعیت عادی (نرمال) بازگشت. خروجی چنین نگاهی چیزی جز محافظه کاری و تسلیم صرف ساختار شدن نیست. مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرمایند: «در مجموعه انقلاب از اول انقلاب یک فکر غلطی وجود داشت و آن این بود که انقلاب تا وقت تشکیل نظام است؛ وقتی که نظام تشکیل شد و نهادها و مقررات و دیوان‌سالاری و مانند این‌ها مستقر شد دیگر انقلاب برود دنبال کارش، دیگر کاری با انقلاب نداریم؛ انقلاب را هم معنا می‌کنند به تنش و دعوا و سر و صدا و کارهای غیرقانونی و از این حرف‌ها». (۹۷/۳/۷)

راه حل دچار نشدن به این دو آفت را رهبر انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب، دفاع از نظریه نظام انقلابی می‌دانند؛ نظام انقلابی آن گونه که رهبر انقلاب تشریح می‌کنند نه این است و نه آن؛ «انقلاب اسلامی پس از نظام سازی به رکود و خموشی دچار نشده و نمی‌شود. و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند بلکه از نظریه نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌کند».

در نظام انقلابی می‌توان در عین پایبند بودن به ساختار، انقلابی ماند و برای بهبود ساختار تلاش شبانه‌روزی کرد؛ در نظام انقلابی اصل بر ساختن است نه تاختن؛ اصل بر حرکت است نه جمود؛ که نظام انقلابی «همچون پدیده زنده و با اراده همواره دارای انعطاف و آماده تصحیح خطاهای خویش است، اما تجدید پذیر و اهل انفعال نیست.» (۹۷/۱۱/۲۲)

۱۰- فلسفه جنگ و جهاد در اسلام: دین مبین اسلام هیچ گاه مشوق جنگ و خونریزی نبوده است؛ قرآن مجید با صراحت می‌فرماید «اگر دشمن از در صلح درآید تو نیز از آن استقبال کن»؛ اما بر حسب ضرورت جنگ و جهاد را در برابر متجاوزان لازم شمرده است. یعنی پایه نخستین در اسلام صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز است و در عین حال دفاع مسلحانه از آیین، جان، مال و سرزمین خود در برابر دشمنان را مجاز بلکه واجب شمرده است. اضافه بر این نبردهای مسلحانه در آموزه‌های اسلامی و حقوق بین‌المللی حتی در برابر دشمنان غدار دارای چارچوب و قواعدی انسانی است و نباید از آن محدوده فراتر رفت.

پیامبر اکرم(ص) به هنگام اعزام لشکر اسلام به سوی میدان جهاد همواره تاکید می‌فرمود که «آغازگر جنگ نباشید، اسرا و مجروحان جنگ را به قتل نرسانید، فراریان را نکشید، آب به روی دشمن نبندید، حریم زنان و کودکان و سالخوردگان را رعایت فرمایید، باغ‌ها و مزارع دشمن را تخریب نکنید» و دستورات مشابه دیگری که همه از توجه خاص اسلام به قواعد انسانی نبرد مسلحانه که از ۱۴ قرن قبل تاکنون بوده است، حکایت می‌کند؛ همان قواعدی که امروزه به صورت ناقص‌تر در قالب کنوانسیون‌های بین‌المللی درآمده و از افتخارات تمدن امروز محسوب می‌شود. (آیت الله مکارم شیرازی ۱۳۹۱/۱۰/۲)

حضرت امام(ره) و رهبر معظم انقلاب که تربیت یافته مکتب اسلام هستند، معتقدند که از یک‌سو جمهوری اسلامی آغازگر هیچ جنگی نیست، اما در صورت تعرض و آغاز جنگ با قاطعیت و همه توان و امکانات از خود دفاع می‌کند؛ تجربه چهل ساله انقلاب اسلامی، پایبندی جمهوری اسلامی به این

قاعده و اندیشه فاخر و مترقی را نشان می‌دهد. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز بر اساس نفی هرگونه تسلط‌پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همهٔ مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر، و روابط صلح‌آمیز متقابل دول غیرمحراب استوار است.

۱۱- شناخت درست گذشته، تضمین‌کننده گام‌های استوار در

آینده: بررسی تاریخ به منظور عبرت‌گیری و شناخت بهتر، می‌تواند به رشد و تعالی هر تمدنی از جمله تمدن نوپای برخاسته از انقلاب اسلامی بینجامد. از طرفی تاریخ، علم آموختن گذشته برای فهم زمان حال است. زندگی امروزین حاصل کارها و اقدامات مردمان روزگار پیشین و حتی وقایعی است که در گذشته‌های دور اتفاق افتاده‌اند و همین امر در آینده نیز ادامه خواهد یافت، بنابراین شناخت و فهم درست تاریخ به جوامع بشری کمک می‌کند تا آینده خود را بهتر رقم زده، از اشتباهات نسل‌های گذشته پرهیز کنند. با دقت نظر در قرآن، می‌توان به راحتی اهمیت فراوانی را که این کتاب انسان‌ساز آسمانی برای تاریخ قایل شده است مشاهده کرد. قرآن کریم در برخی موارد، خود به قصه‌سرایی می‌پردازد؛ آن‌هم از بهترین نوع قصه‌پردازی‌ها. به عبارت دیگر، قرآن با تاریخ‌گویی در بهترین قالب‌ها، به گردش در زمین و عبرت‌گیری از عاقبت گذشتگان دعوت می‌کند.

خداوند متعال در آیه ۱۷۶ سوره «اعراف» می‌فرماید: «فَأَقْصَصَ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ»؛ این داستان‌ها را بازگو کن شاید بیندیشند. همچنین در آیه ۱۱۱ سوره «یوسف» می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِأُولِي الْأَلْبَابِ»؛ در سرگذشت آنها درس عبرتی برای صاحبان اندیشه بود.

در آیه ۱۳۷ سوره «آل عمران» می‌فرماید: «قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ». خداوند سنت‌هایی در اقوام گذشته داشته که این سنن هرگز جنبه اختصاصی ندارد و به صورت یک سلسله قوانین حیاتی

درباره همگان، گذشتگان و آیندگان، اجرا می‌شود. نهج البلاغه نیز با همان رویکرد قرآن به تاریخ می‌نگرد، و با بیانی شیوا، ضمن تفسیر فرازاها و فرودهای تاریخ، نکته‌های عبرت‌آموز زندگی گذشتگان را به بشر گوشزد می‌نماید. به بیان خود امام(ره)، ایشان به گونه‌ای تاریخ پیشینیان را مطالعه کرده بودند که گویی خود در سراسر تاریخ و با نسل‌های پیشین زیسته و از تمام تجربه‌های مفید آنها بهره گرفته‌اند. ایشان درباره این اهمیت می‌فرمایند: «از حوادث گذشته تاریخ، برای آینده عبرت‌گیر، که حوادث روزگار همانند بوده، و پایان دنیا به آغازش می‌پیوندد، و همه آن رفتنی است.» نیز می‌فرمایند: «روزگار بر آیندگان چونان می‌گذرد که بر گذشتگان گذشت؛ آنچه گذشت باز نمی‌گردد، و آنچه هست جاودان نخواهد ماند، پایان کارش با آغاز آن یکی است، ماجراها و رویدادهای آن همانند یکدیگرند، و نشانه‌های آن آشکار است.»

تجربه در آموزه‌های اسلامی رمز موفقیت‌ها و پیروزی بر مشکلات و نیل به اهداف عالی است. امیرالمؤمنین در این رابطه بسیار سخن فرمودند: «ومن التوفیق حفظ التجربة؛ حفظ تجربه بخشی از موفقیت است.» (نهج البلاغه، حکمت ۲۱۱) «من لم یجرب الامور خدع: آن کس که کارها را تجربه نکند، نیرنگ می‌خورد.» (بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۴۲۲) «من غنی عن التجارب عمی عن العواقب: کسی که خود را از تجربه‌ها بی‌نیاز بداند، سرانجام [آمو] را نخواهد دید.» (غررالحکم، شماره ۱۰۱۶۲) «کل معونة تحتاج الی التجارب: هر امر مشکلی [که کمک لازم دارد] به داشتن تجربه‌ها نیازمند است.» (بحار، ج ۷۵، ص ۷)

۱۲- آغاز انقلاب و نظام اسلامی از نقطه صفر: واقعیت آن است که جمهوری اسلامی ایران، در شرایطی اداره کشور را بدست گرفت که به لحاظ مشارکت سیاسی و حق مردم در تعیین سرنوشت خود در دوران پهلوی بدترین شرایط را داشت، به گونه‌ای که نه تنها انتخابات و ساز و کارهای دموکراتیک کاملاً مفقود بود، بلکه سرکوب و خفقان ابزاری بود برای اینکه

مردم آزادانه مطالبات خود را مطرح نمایند. در بخش امنیتی و سیاست خارجی، رژیم پهلوی برای حفظ بقای خود، مقدرات امنیتی را در اختیار قدرت‌های خارجی قرار داده بود و عملاً مهره انگلیس و آمریکا برای اجرای سیاست‌های آن‌ها در منطقه بود؛ و چون وضع بدین منوال بود تمامیت ارضی ایران در مخاطره بود؛ همچنان که بخش‌هایی از خاک ایران در دوره قاجار و پهلوی به تاراج رفت.

در بخش اقتصادی نیز کشور چندان وضعیت مناسبی نداشت؛ خبری از زیرساخت‌های اساسی مورد نیاز کشور نبود و همه بخش‌های صنعت، کشاورزی و خدمات همین‌طور تقریباً مطلق وابسته بود؛ عدالت اجتماعی و دسترسی مردم به خدمات اجتماعی، بنا به آمارها و گزارش‌های معتبر داخلی و خارجی در بدترین شرایط ممکن بود. در بخش فرهنگ نیز پهلوی نه به فرهنگ اسلامی معتقد بود و نه به فرهنگ ایرانی باور داشت؛ بلکه رویکرد آن‌ها نابودی فرهنگ اسلامی و ایرانی بود. آن‌ها مصمم بودند که ایران از حیث فرهنگی باید غربی شود، تا به توسعه دست یابد! از این جهت انقلاب اسلامی در همه عرصه‌های پیشرفت باید از اول و با طراحی جدید کار را به پیش می‌برد.

۱۳- انقلاب اسلامی و ظهور پدیده‌ی برجسته تقابل با استکبار در جهان:

نکته‌ی قابل توجه انقلاب اسلامی و آنچه که آن را از دیگر انقلاب‌های سراسر جهان متمایز می‌کرد، ایجاد دگرگونی بزرگ در سطح سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بود که باعث ایجاد تأثیرات عمیقی در سطح جهانی شد. با وجود اینکه انقلاب‌های زیادی در جهان به‌وقوع پیوسته بود، اما به گفته اندیشمندان و سیاست‌مداران جهان، انقلاب ایران به نوبه‌ی خود منحصر به فرد و بی‌نظیر بوده و هست و به همین خاطر این انقلاب، مورد توجه، تجزیه و تحلیل، استقبال و حمایت بزرگان و انقلابیون جهان قرار گرفت.

در ادامه به نظرات برخی سیاستمداران شاخص سراسر جهان درباره‌ی انقلاب ایران اشاره‌ای خواهیم داشت:

هنری کسینجر (مشاور رئیس جمهوری آمریکا): آیت الله خمینی (ره) غرب را با بحران جدی برنامه‌ریزی مواجه کرد، تصمیمات او آنچنان رعد آسا بود که مجال هر نوع تفکر و برنامه‌ریزی را از سیاستمداران و نظریه‌پردازان سیاسی می‌گرفت. هیچ کس نمی‌توانست تصمیمات او را از پیش حدس بزند، او با معیارهای دیگری غیر از معیارهای شناخته شده در دنیا سخن می‌گفت و عمل می‌کرد، گویی از جای دیگر الهام می‌گرفت، دشمنی آیت الله خمینی (ره) با غرب برگرفته از تعلیم الهی او بود و در دشمنی خود نیز خلوص نیت داشت.

انور خوجه (رهبر اسبق آلبانی): مردم ایران که با انقلاب به پاخاستند و شاه و رژیم قرون وسطای وی را کنار گذاشتند، ضربه مهلکی به امپریالیسم زدند. این جریان یک شکست مهم سیاسی بود که آمریکا نمی‌تواند آن را با استفاده از روش‌های دیپلماتیک، باج‌های اقتصادی و یا دخالت نظامی مانند آنچه در طبرس انجام داد، جبران کند.

فیدل کاسترو (رئیس جمهور اسبق کوبا): انقلاب شما (خطاب به نمایندگان ایران) در جهان نمونه است، زیرا شما بدون اسلحه جنگیدید و قدرت عظیم شاه و آمریکا را در هم کوبیدید، رمز پیرزی شما اسلام بود. اسلامی که دارای روحانیت و معنویت است، ما متأسفانه از داشتن چنین معنویتی محروم هستیم.

احمد بن بلا (نخستین رئیس جمهور الجزایر): «ملل عرب باید زنده شدن اسلام را در قرن بیستم، مدیون انقلاب اسلامی ایران بدانند. این انقلابی است که دنیای غرب را اجباراً دگرگون خواهد ساخت و بسیاری از رژیم‌های موجود در جهان عرب دیر یا زود سقوط خواهند کرد؛ زیرا آوای نهضت امام خمینی (ره) در دورافتاده ترین نقاط جهان اسلام به گوش می‌رسد. در دور افتاده ترین قبایل صحاری آفریقا سخن از روحی تازه است که انقلاب ایران در قرن بیستم به اسلام داده است».

نخست وزیر وقت رژیم صهیونیستی مدعی شد انقلاب اسلامی به مثابه زلزله‌ای است که نه تنها خاورمیانه، بلکه جهان را خواهد لرزاند. و به اعتقاد **آنتونی گیدنز** صاحب نظر مطرح حوزه جامعه‌شناسی، انقلاب اسلامی توجه جهانیان را از مارکسیسم و لیبرالیسم به سمت اسلام جلب کرد.

۱۴- برکت و گام بزرگ انقلاب اسلامی، تبدیل نظام استبدادی به نظام مردم سالاری: کار معجزه آسای انقلاب اسلامی تغییر رویکردهایی بود که بودن آن‌ها سبب شده بود ایران با انواع تهدیدات و جنگ‌های خانمان سوز رو به رو شود و نیز تعیین رویکردهای جدیدی بود که مبدا تحولات اساسی و تاریخی در ایران شمرده می‌شود. دستاورد نخست و مهم انقلاب اسلامی تبدیل رویکرد مبتنی بر نظام طاغوتی به نظام مردم سالاری دینی بود. در عرصه سیاست داخلی، مردم از طریق انتخابات، تفکیک قوا و دیگر آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در سرنوشت خود نقش ایفاء می‌کنند؛ این در حالی است که در دوره پیش از انقلاب چون نظام حاکم پادشاهی بود، اساساً هر نوع آزادی سیاسی و اجتماعی سرکوب می‌شد و خبری از انتخابات و حق تعیین سرنوشت مردم نبود.

۱۵- خدمت بزرگ و تاریخی انقلاب اسلامی به ایران، حفظ تمامیت ارضی ایران: برای اینکه خدمتی که انقلاب اسلامی به ایران در عرصه ثبات و حفظ تمامیت ارضی نموده را بهتر درک کرد، مناسب است نسل‌های جدید واقعیت‌های تاریخی زیر را مرور نمایند:

* آیا می‌دانید در جریان شط‌العرب و ارون‌دروود موضوع این بود که تمام دنیا و جوامع جهانی رای دادند که این رودخانه دو قسمت است: یک قسمت برای عراق است و یک قسمت برای ایران. یعنی براساس خط تالوگ یعنی میان‌القعر. ولی انگلیسی‌ها به رضاشاه فشار آوردند برای اینکه عراق عضو پیمان سعدآباد شود شما باید در مورد ارون‌د کوتاه بیایید.

باقر کاظمی وزیر وقت امور خارجه ایران در خاطراتش می‌گوید: ما نزد رضاشاه رفتیم، نوری سعید وزیر عراق آمد و گریه و زاری کرد که بگذارید این رودخانه مال ما بشود. شما دریای فارس و دریای مکران (عمان) را دارید، اما ما هیچ چیز نداریم. رضاشاه گفت: خُب اروند را به این‌ها بدهیم!! * آیا می‌دانید رضاخان چگونه بخش‌هایی از خاک ایران را به افغانستان واگذار کرد و خسارت‌های این اقدام ذیلانه تا به امروز هم ادامه دارد؟ درباره دشت «نامید» که منطقه‌ای است میان مرز ایران و افغانستان، رضاعلی دیوان‌بیگی - استاندار مازندران - در خاطراتش می‌گوید، هنگامی که ژنرال فخرالدین پاشا که به عنوان حَکَم از ترکیه برای حل اختلافات ایران و افغانستان آمد دخالت کند، دولت ایران گفت هر چه ترک‌ها بگویند ما قبول داریم. ترک‌ها و افغان‌ها با هم هماهنگ بودند.

او می‌گوید ژنرال فخرالدین در مازندران گفت: شما که استان به این قشنگی دارید، چرا بر سر این دشت‌های سوزان سیستان و بلوچستان با افغانستان دعوا دارید. دیوان‌بیگی عصبانی شد. می‌گوید برگشتم به ژنرال گفتم: به شما چه مربوط است، ما هر جا داشته باشیم برای ایران است. این چه حرفی است شما می‌زنید که ما چون مازندران را داریم سیستان و بلوچستان را از دست بدهیم؟ در هر صورت آنجا هم دشت «نامید» توسط رضاخان به افغانستان داده شد. اکنون هم این مشکلی که افغان‌ها آب را برگردانده‌اند و سیستان و بلوچستان خشک شده، به خاطر این است. علم در خاطراتش نوشته است لعنت بر هویدا - که جدایی دشت «نامید» را امضاء کرد چون سیستان و بلوچستان تا بیست سال دیگر خشک می‌شود.

بنابراین رضاخان نسبت به دیگر عضو پیمان سعدآباد، یعنی افغانستان نیز عطوفت و سخاوتمندی بیشتری نشان داد و در مذاکرات بر سر هیرمند و آب آن، با حکمیت انگلیسی‌ها، میزان سهم آب ایران از رود هیرمند به یک‌سوم تقلیل پیدا کرد و «از ۱۸۱۴۶ کیلومترمربع مساحت کل سیستان، ۷۳۷۴ کیلومترمربع از آن ایران و ۱۰۷۷۲ کیلومترمربع جزو

خاک افغانستان شد. رضاخان همچنین منطقه چکاب و مناطق نمک خیز مرز ایران و افغانستان را، نیز جهت اعتمادسازی به افغان‌ها تقدیم نمود!

* آیا می‌دانید رضاخان چگونه بخش‌های مهمی از شمال غرب کشور را به ترکیه واگذار کرده است؟ رضاخان در راستای سیاست حسن همجواری دیکته شده توسط انگلستان، عهدنامه مرزی ۱۳۱۰ را با ترکیه به امضاء رسانید و بخشی از ناحیه آغری داغ و آرات را به دولت ترکیه واگذار نمود. حسین مکی به نقل از سرلشکر ارفع نقل می‌کند که رضاخان بر این باور بود که «منظور این تپه و آن تپه نیست. منظور من این است که ما با ترکیه باید دوست باشیم!!»

* آیا می‌دانید وقتی از هویدا درباره علت واگذاری بحرین به اجانب سوال شد، وی پاسخ داد: «به هیچ کس مربوط نیست، دختر خودمان بود به هر کسی می‌خواستیم شوهرش دادیم!»

همه این‌ها را مقایسه کنید با جنگ هشت ساله که به‌رغم حمایت‌های جهانی از رژیم بعثی، یک وجب از خاک ایران جدا نشد.

۱۶- وضعیت علمی جمهوری اسلامی بر اساس گزارش سایماگو طی سال‌های

۱۹۹۶ تا ۲۰۱۵

• رتبه جهانی تولید علم ایران طی سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۵ از ۵۳ام به ۱۶ام در جهان ارتقاء یافته است. رتبه جهانی تولید علم ایران در رشته انرژی اتمی از ۸۳ به ۱۱ام ارتقاء یافته است. (افزایش تعداد مقالات از ۱ به ۴۱۸)

• رتبه جهانی تولید علم ایران در رشته نانو و نانو تکنولوژی از ۵۷ام جهان به ۱۶ام ارتقاء یافته است. (افزایش تعداد مقالات از ۱ به ۶۸۷)

• رتبه جهانی تولید علم ایران در رشته بیوتکنولوژی از ۵۶ به ۱۴ام جهان ارتقاء یافته است. (افزایش تعداد مقالات از ۱۱ به ۶۱۸)

• رتبه جهانی تولید علم ایران در رشته مهندسی هوا و فضا از ۴۳ به ۱۱ام جهان ارتقاء یافته است. (افزایش تعداد مقالات از ۴ به ۳۴۱)

- رتبه جهانی تولید علم ایران در رشته پزشکی از ۵۴ به ۱۱۹م جهان ارتقاء یافته است. (افزایش تعداد مقالات از ۶۴ به ۳هزار)
- رتبه جهانی تولید علم ایران در رشته شیمی از ۴۸ به ۱۱۱م جهان ارتقاء یافته است. (افزایش تعداد مقالات از ۷۹ به ۳هزار)
- رتبه جهانی تولید علم ایران در رشته فیزیک و نجوم از ۶۴ به ۱۱۹م جهان ارتقاء یافته است. (افزایش تعداد مقالات از ۲۱ به ۱هزار)
- رشد روزافزون و حضور فعال کشور در عرصه‌های علمی بطوریکه تا سال ۱۳۹۱ بیش از ۲۶۱۹۶ اختراع در کشور ثبت شده است.
- پژوهشگران ایرانی از نظر پژوهشی با ثبت ۸۵۱۳ مقاله علمی، در ردیف شانزدهم تولید علم و در زمره دانشمندان و پژوهشگران ممتاز جهان قرار گرفته‌اند.
- جمهوری اسلامی ایران در میان ۵۷ کشور اسلامی از لحاظ علمی و پژوهشی و ثبت اختراع در رتبه اول کشورهای اسلامی قرار دارد.
- دستیابی به فن آوری و دانش کامل چرخه سوخت هسته‌ای و قرار گرفتن در ردیف پنج کشور برتر جهان.
- ورود موفقیت آمیز و همزمان با سایر کشورهای پیشرفته به عرصه علوم جدید مانند: نانو تکنولوژی که رتبه هفتم جهانی را به خود اختصاص داده و سایر علوم جدید از جمله؛ لیزر، میکرو الکترونیک، ورود به علم ساخت روبات و کسب موفقیت‌های جهانی در مسابقات رباتیک، توسعه سخت‌افزاری و ساخت ابر رایانه، توسعه نرم افزاری و بهره برداری گسترده از علوم رایانه‌ای در کشور و کسب ۳۶۲ مدال در المپیادهای مختلف علمی جهان.
- افزایش تعداد پزشکان، کمتر از ده هزار نفر پیش از انقلاب به بیش از ۱۱۷۰۰۰ نفر و رفع کامل نیاز کشور به جذب پزشک خارجی. (حریرچی معاون وزیر بهداشت ۹۶/۱۱/۲۶)
- تغییر و تبدیل کشور به قطب منطقه‌ای توریسم سلامت و پذیرش و درمان بیماران خارجی در انواع بیماری‌ها.

• دستیابی به دانش کشت سلول‌های بنیادین، قرار گرفتن در ردیف کشورهای برتر پیوند کلیه و درمان بیماری‌های چشمی

۱۷- انقلاب اسلامی و عدالت اجتماعی بر اساس آمار بانک جهانی: مبارزه با فقر و رسیدگی به محرومین، فارغ از اینکه تاکنون چه میزان موفق بوده است، از همان روزهای اول انقلاب یک موضوع شعاری نبود و رهبران جمهوری اسلامی توجه عملی نسبت به این موضوع داشته‌اند.

پیش از این رهبر معظم انقلاب براساس آمار بانک جهانی فرمودند: «پیش از انقلاب، ضریب جینی بالای ۵۰ بود. ضریب جینی، یک محاسبه‌ای است که برای نشان دادن شکاف طبقاتی و فاصله‌ی فقیر و غنی در کشورها انجام می‌گیرد؛ هرچه عدد این ضریب بالاتر باشد، شکاف طبقاتی بیشتر است؛ هرچه کمتر باشد، شکاف طبقاتی کمتر است. قبل از انقلاب، ضریب جینی بالای ۵۰ بوده است؛ در سال ۹۴ ضریب جینی در کشور ۳۸ بوده است؛ یعنی ما این مقدار - فاصله‌ی ۵۰ و ۳۸- توانسته‌ایم فاصله‌ی طبقاتی را کم کنیم. [طبق] یک آمار دیگر - که این آمار هم مربوط است به بانک جهانی؛ آمار بانک جهانی است؛ جزو آمارهای بین‌المللی است - قشر فقیر مطلق، پیش از انقلاب ۴۶ درصد ملت ایران بودند، یعنی تقریباً نصف ملت ایران قبل از انقلاب جزو قشرهای فقیر مطلق بودند؛ امروز این عدد ۴۶ درصد، رسیده است به ۹/۵ درصد - البته در سال ۹۳؛ آمار بعد از آن را بنده ندارم - یعنی این مقدار، کار انجام گرفته است.»

۱۸- تبعات خسارت بار غفلت از شعارها و جریان انقلابی: تبعات حضور جریان و عناصر غرب‌گرا و بی‌توجه به تفکر انقلابی و ظرفیت‌های درونی، صرفاً به آرزوی همکاری با آمریکا و غرب خلاصه نمی‌شود، بلکه سبب ایجاد ناکارآمدی در حل مشکلات کشور و معطل ماندن ظرفیت‌های عظیم ملی می‌گردد. رهبر انقلاب اسلامی در اولین روز سال ۱۳۹۴ درباره‌ی دو نگاه کلان به رونق و پیشرفت اقتصادی مطالبی را مطرح کردند. یک نگاه معطوف به ظرفیت‌های درون کشور است و نگاه دیگر چشم به بیرون

و کمک گرفتن از بیگانگان دارد. در نگاه به درون، اعتماد به مردم و به میدان آوردن توانایی‌های آنان مسأله‌ی مهم و رمز شکست توطئه‌های دشمنان است و در نگاه به بیرون، کشور و ظرفیت‌های عظیم آن معطل روابط خارجی با قدرتهای غربی است.

معظم‌له در این باره فرمودند: «در نگاه کلان به اقتصاد کشورمان دو جور نگاه وجود دارد... دو جور نگاه به رونق اقتصادی و پیشرفت اقتصاد وجود دارد؛ یک نگاه می‌گوید که ما پیشرفت اقتصاد را باید از ظرفیت‌های درون کشور و درون مردم تأمین بکنیم. نگاه دوم به اقتصاد کشور نگاه به پیشرفت اقتصاد با استفاده از کمک بیرون از مرزها است؛ می‌گوید سیاست خارجی‌مان را تغییر بدهیم تا اقتصاد ما درست بشود، با فلان مستکبر کنار بیاییم تا اقتصاد رونق پیدا کند، تحمیل قدرت‌های مستکبر را در بخش‌های گوناگون و مسائل گوناگون بپذیریم تا اقتصادمان رونق پیدا کند؛ این هم نگاه دوم است. امروز شرایط کشور به ما نشان داده است که این نگاه دوم یک نگاه کاملاً غلط و عقیم و بی‌فایده است.

همین تحریم‌هایی که امروز علیه ملت ایران اعمال می‌شود، دلیل محکم و متقنی است بر غلط بودن این نگاه؛ یعنی شما وقتی که به امید قدرت‌های خارجی نشستید تا آن‌ها بیایند اقتصاد شما را رونق بدهند و با زیر بار آن‌ها رفتن، اقتصاد را رونق بدهید، آن‌ها به حدّ کم قانع نیستند».

۱۹- چهل‌سالگی انقلاب اسلامی و اعتراف به شکست آمریکا: مایکل

ایزنشتات تحلیلگر شناخته شده امور نظامی و امنیتی آمریکا در مقاله‌ای با عنوان استراتژی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه با بررسی اثرگذاری آینده ایران در منطقه، معتقد است که از سال ۲۰۱۱ شرایط ایران تغییر یافته است؛ ایالات متحده آمریکا با یک ایران جسور و با اعتماد به نفس روبه روست که سرشار از حس بی‌سابقه تاثیرگذاری و قدرت به علت موفقیتش در توسعه نفوذ منطقه‌ای خود و همچنین نقش مهم در کمک کردن به متحدان خود می‌باشد. فقط طی چند سال

ایران این چنین تغییر یافته است؛ «اسکات پترسون» تحلیلگر ارشد آمریکایی معتقد است قدرت و نفوذ جمهوری اسلامی ایران طی نیم قرن گذشته در منطقه خاورمیانه بی سابقه بوده است. با وجود اینکه ایران با محدودیت‌های قابل توجهی برای توسعه نفوذ خود مواجه است، اما خیزش شتابان تهران، چالش‌های فراوانی برای ایالات متحده، عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی ایجاد کرده و تجاوزگری آن‌ها را به چالش کشیده است؛ «کنث کاتزمن» به عنوان یک صاحب نظر سطح اول آمریکایی در گزارشی که به ابعاد سیاست دفاعی و راهبردی آینده ایران می‌پردازد به صراحت ادعان می‌کند که آمریکا در مقابل ایران شکست خورده است. اعتراف وی در این زمینه می‌تواند نشان دهنده واقعیت‌های خارجی فراوانی باشد که از نگاه بسیاری مغفول مانده است.

کاتزمن به صراحت می‌نویسد: تاکنون، هیچ یک از راهبردهای ایالات متحده نتوانسته نفوذ منطقه‌ای ایران را کاهش دهد. در کنار همه این اعترافات «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا افشا کرد که ایالات متحده طی ۱۷ سال گذشته ۷ تریلیون دلار برای تاثیرگذاری در خاورمیانه هزینه کرده است. روزنامه «واشنگتن پست» در این باره نوشت: ترامپ این ادعا را در زمان‌های مختلف، بارها مطرح کرده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد او حداقل ۲۱ بار این ادعا را تکرار داشته است.

۲۰- تبیین روحیه انقلابی از منظر رهبر معظم انقلاب: رهبر معظم انقلاب در تاریخ ۱ تیرماه ۱۳۸۳ فرمودند: «روحیه انقلابی یعنی اسیر حدود تحمیلی نشدن؛ قانع به گیرندگی قطره‌چکانی نشدن؛ با امید دنبال هدف حرکت کردن، و با انگیزه، با نشاط، با اصرار و پیگیری آن را به دست آوردن. این، انقلاب و حرکت انقلابی است.» همچنین در تاریخ ۲۵ تیر ماه ۸۶ نیز فرمودند: «بعضی‌ها تصور می‌کنند انقلابی‌گری، یک حرکت انقلابی، یعنی حرکت بی‌انضباط همراه با شلوغی، سردرگمی و بی‌نظمی! می‌گویند آقا، آن‌ها انقلابی بود و تمام شد! این، غلط است. مطلقاً در ذات

تحرك انقلابی، اغتشاش و بی‌نظمی نیست. بالعکس، انضباط انقلابی از محکمترین و قویترین انضباط‌هاست. انضباطی که ریشه از ذهن انسان، از دل انسان، از ایمان انسان می‌گیرد، بهترین انضباط‌ها را دارد.

۲۱ - جوانان محور تحقق نظام پیشرفته اسلامی: در این زمینه رهبر معظم

انقلاب سال‌ها پیش فرمودند: من بیش از این توقع دارم. من انتظار دارم که مسأله جوانان و پرداختن به جوانان و برنامه‌ریزی برای هدایت درست و بازکردن راه تعالی و تکامل در مقابل جوانان، به یک مسأله ملی و حقیقی تبدیل شود و همه باید احساس مسئولیت کنند.

نظر اسلام درباره جوانان، دقیقاً منطبق بر همان امری است که امروز پیشنهاد و نیاز ما از نسل جوان و برای نسل جوان است. پیامبر اکرم (ص) درباره جوانان توصیه نموده، با جوانان انس گرفته و از نیروی آنان برای کارهای بزرگ استفاده کرده است. پیامبر اکرم (ص) در یکی از حساس‌ترین لحظات عمر خود، مسئولیت بزرگی را به یک جوان هجده ساله داد.

در جنگ‌ها خود پیامبر اکرم (ص) فرماندهی را عهده‌دار می‌شد؛ اما آن وقت که در آخرین هفته‌های زندگی خود احساس کرد از این عالم خواهد رفت و لشکرکشی به سرزمین امپراتوری روم به‌وسیله خود او امکان ندارد - چون کار بسیار بزرگ و دشواری بود؛ لازم بود نیرویی برای این کار برگزیده شود که هیچ مانعی نتواند جلو آن را بگیرد - این مسئولیت را به یک جوان هجده ساله داد.

پیامبر می‌توانست یک نفر از اصحاب پنجاه ساله، شصت ساله و دارای سابقه جنگ و جبهه را بگذارد؛ اما یک جوان هجده ساله را گذاشت و او «اسامه بن زید» بود... ما امروز در کشورمان اسامه بن زیدهای زیادی داریم؛ جوانان زیادی داریم. (۷۹/۲/۱)

۲۲ - ایران رتبه نخست استفاده نکردن از ظرفیت‌های طبیعی و انسانی: از

منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی ظرفیت‌های داخلی بسیار زیاد است؛

ایشان می‌فرمایند: «یک مطالعه‌ی کارشناسی‌ای در بانک جهانی شده -این مسئله‌ی ما نیست؛ یک مطالعه‌ی کارشناسی است که بانک جهانی این مطالعه را کرده- آن‌ها می‌گویند؛ ایران مخزنی از استعدادهای انسانی و سرزمینی بهره‌برداری نشده است؛ توجه کنید! می‌گویند ایران به لحاظ عدم بهره‌برداری از استعدادهای انسانی و سرزمینی در رتبه‌ی اول جهان است؛ یعنی استعدادهای فراوانی در مقابل ما است که ما از این‌ها استفاده نکرده‌ایم، کوتاهی کرده‌ایم.» (۹۷/۳/۲)

در کنار برخورداری از ذخایر غنی نفت، گاز، معدنی، منابع طبیعی و موقعیت جغرافیایی، همگی گویای آن است که ظرفیت بالقوه جهش در حوزه اقتصاد و رسیدن به جایگاه اولی در منطقه جنوب غرب آسیا با شکوفاسازی این استعدادهای و بکارگیری مطلوب ظرفیت‌های مادی و معنوی وجود دارد.

در مقطع کنونی سرمایه انسانی موجود در ایران، فرصت بی‌نظیری در اختیار کشور قرار داده تا بتواند به اتکای این سرمایه پتانسیل‌های بالقوه سرزمینی و معدنی اقتصاد ایران را شکوفا نموده و تحول تاریخی در اقتصاد کشور ایجاد نماید. اگر چه ایران به لحاظ تولید ناخالص داخلی (پتانسیل‌های تحقق یافته) در رتبه ۱۸ قرار دارد ولی بر اساس پتانسیل‌های بالقوه سرزمینی (وسعت سرزمین، دسترسی به آبهای آزاد بین‌المللی، تعداد همسایگان، بازار منطقه، کریدورهای حمل و نقل و ... و نیروی انسانی (تعداد جمعیت در سن کار و میران تحصیلات)، ایران می‌تواند در رتبه ۱۲ در جهان قرار گیرد و جزو اقتصادهای پیشرو در جهان به شمار آید. همچنین بر اساس آمار بانک جهانی، ایران به لحاظ پتانسیل‌های انسانی و سرزمینی استفاده نشده در رتبه اول در سطح جهان است. به تعبیری دیگر ایران مخزنی از استعدادهای انسانی و سرزمینی بهره‌برداری نشده می‌باشد.

۲۳ - وضعیت علمی ایران در آمارهای جهانی: با توجه به آمار ثبت شده در پایگاه استنادی بین المللی WoS میزان تولید علم ایران در سال‌های

۲۰۱۳، ۲۰۱۴، ۲۰۱۵، ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ میلادی به ترتیب ۳۰۹۴۷، ۳۱۴۱۰، ۳۳۹۳۱، ۴۰۷۳۶ و ۴۷۹۰۱ و ۵۲۱۸۳ بوده است.

بدین ترتیب میزان تولید علم کشور از ۳۰۹۴۷ در سال ۲۰۱۲ به ۵۲۱۸۳ در سال ۲۰۱۷ یعنی بیش از ۱۶ (یک ممیز شش دهم درصد) برابر افزایش یافته است.

در سال ۲۰۱۷ (۱۳۹۶)، تعداد ۷ کشور اسلامی در فهرست ۵۰ کشور برتر تولیدکننده علم قرار گرفته‌اند، کشورهای ایران و ترکیه در زمره ۲۰ کشور برتر دنیا و به ترتیب در جایگاه‌های ۱۶ و ۱۸ دنیا قرار گرفته‌اند.

رشد تولید علم در جمهوری اسلامی ایران در میان ۲۵ کشور برتر تولیدکننده علم دنیا در سال ۲۰۱۷ برابر با ۸.۹ (هشت ممیز نه دهم) درصد بوده و در مقایسه با سایر کشورها در رتبه اول دنیا قرار گرفته و بعد از ایران، کشور روسیه با ۶.۷ (شش ممیز هفت دهم) درصد بیشترین رشد کمیت علم دنیا را داشته و چین با ۴.۳ (چهار ممیز سه دهم درصد) در رتبه سوم و برزیل و سوئیس هر کدام به ترتیب با ۳.۱ (سه ممیز یک دهم) درصد و ۱.۱ (یک ممیز یک دهم) در رتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند و برخی از کشورها در سال ۲۰۱۷ دارای رشد منفی هستند یعنی مدارک ثبت شده آن‌ها در سال ۲۰۱۷ از سال قبل کمتر بوده است.

برای مطالعه بیشتر رک: پایگاه استنادی کلاریویت آنالیتیکس (Clarivate Analytics)، «ایران در رشد کمیت تولید علم دنیا پیشتاز است»، دسترسی در: <https://www.msrt.ir/fa/news/40482>، تاریخ ۶ مرداد ۱۳۹۷.

۲۴- جایگاه معنویت و اخلاق در انقلابی‌گری: رهبر معظم انقلاب در سالگرد رحلت امام خمینی (ره) در ۱۴ خردادماه ۱۳۹۰ فرمودند: «اگر به نام عدالت‌خواهی و به نام انقلابی‌گری، اخلاق را زیر پا بگذاریم، ضرر کرده‌ایم؛ از خط امام منحرف شده‌ایم. اگر به نام انقلابی‌گری، به نام عدالت‌خواهی، به برادران خودمان، به مردم مؤمن، به کسانی که از لحاظ فکری با ما مخالفند، اما می‌دانیم که به اصل نظام اعتقاد دارند، به اسلام اعتقاد دارند،

اهانت کردیم، آن‌ها را مورد ایزاء و آزار قرار دادیم، از خط امام منحرف شده‌ایم. اگر بخواهیم به نام انقلابی‌گری و رفتار انقلابی، امنیت را از بخشی از مردم جامعه و کشورمان سلب کنیم، از خط امام منحرف شده‌ایم.»

۲۵- نقش شعور معنوی و اخلاقی در سالم‌سازی نظام اجتماعی: از دیدگاه

اسلام، هر گاه در نظام اجتماعی و مدیریت حاکم بر جامعه «ایمان و عمل صالح» باشد دارای برکت و ثمرات ماندگار و پایداری خواهد بود؛ چه این که خدای سبحان فرمود: **أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ * تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ** بادن ربّها (ابراهیم: ۲۲ و ۲۳) و کلمه طیب به تفکر و اندیشه و تعبد و انگیزه یا جهان‌بینی و اعتقاد الهی و معنوی اشاره دارد که، چون درختی پاک، ریشه‌دار، تناور و بارور خواهد بود و مگر کارآمدی غیر از ثبات و قرار و توسعه پایدار و داشتن برگ و بار است که آیه یاد شده نسبت معنویت و کارآمدی را دقیقاً تبیین می‌نماید و روح و جانمایه معنویت را ایمان به خدا و عمل صالح معرفی می‌کند که فرمود: **إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ** (فاطر: ۱) هرگاه نظامی مبتنی بر اندیشه و اخلاق پاک و انگیزه و عمل، نهاده شد و حکومت و حاکم پاک، قانون و قانون‌گذار پاک و اجرا و مجریان پاک و فرد و جامعه نیز پاک باشند؛ چنین نظامی در چنین جامعه‌ای کارآمدترین نظام‌های جهان خواهد شد و در نظامی با چنین شاخصه‌ها و مؤلفه‌هایی، خدمت به مردم در راه خدا، از قداست برخوردار خواهد بود، که اولاً: مجاهدت و تلاش خستگی‌ناپذیر فکری-مدیریتی در عرصه‌های گوناگون را به ارمغان می‌آورد، که خود منبع توسعه کمی و کیفی و مادی و معنوی است.

ثانیاً: اندیشه‌ها چون چشمه سارانی زلال از جوشش درونی و انفجار باطنی بهره‌مند می‌شوند که عامل تولید فکر و علم در حوزه‌های علوم انسانی، طبیعی، طبی، صنعتی و فناوری خواهد شد که خدای سبحان وعده داده‌اند: اگر تقوای الهی بر جامعه حکومت نماید وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى

آمَنُوا وَاتَّقُوا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ (اعراف: ۹۶) و در نظام جمهوری اسلامی توقع حضور تقوا و پارسایی و ظهور اخلاق معنوی امری کاملاً طبیعی است و چرا خداشناسی، خداپرستی، تقوا و رعایت حدود و آداب الهی عامل تکامل و توسعه و تداوم و تعالی نظام اسلامی نباشد؟ این سنت الهی است که هرگاه فرد و جامعه و نظام حاکم بر آن، از اصالت‌های دینی، ارزش‌های وحیانی و اسلامی برخوردار باشند، فتح و نصرت خداوند شامل حال آنان گردد و پیروزمندانه در عصر و دوران خویش حاکمیت داشته باشند و عزت و اقتدار ملی و جهانی را متوجه خویش سازند؛ چنانکه تاریخ جامعه‌ی بشری و تاریخ صدر اسلام، روایتی ماندگار از چنین موقعیت‌هایی برای جوامع الهی و حکومت‌های عادلانه و مبتنی بر اخلاق و معنویت بوده است و در عصر ما نیز وجود خداباوری و معاندنشوی و اراده‌ی عدالت گستری در پیدایش و گسترش انقلاب اسلامی و موفقیت‌های نظام در عرصه‌های دفاع مقدس، فتوحات و سربلندی‌های علمی و سیاسی - اجتماعی، نمونه‌هایی واقعی از نقش معنویت در کارآمدی نظام و پویایی حکومت دینی بوده است.

۲۶ - اولین هشدار جنگ اقتصادی رهبر معظم انقلاب، ۱۰ روز پس از آغاز

رهبری: اولین بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در خصوص اهمیت اقتصاد و جنگ اقتصادی دشمن، بر خلاف تصور اولیه مربوط به سال‌های اخیر و افزایش خصومت‌های آمریکا در مقطع اخیر نمی‌شود؛ رهبر انقلاب در اولین روزهای آغاز رهبری خود بر این موضوع مهم تاکید کردند؛ صراحت بیانات رهبر انقلاب به نحوی است که مخاطب در نگاه نخست تصور می‌کند که این اظهارات مربوط به همین ماه‌ها و سال‌های اخیر است؛ به عنوان نمونه در سال ۱۳۶۸ فرمودند: سومین نقطه‌ی امید آن‌ها واقعیت‌های دشوار اقتصادی و مشکلات مردم است، که آن‌ها سعی می‌کنند این نکته را به اثبات رسانند که بالاخره مشکلات اقتصادی گریبان دستگاه را خواهد گرفت و نظام جمهوری اسلامی را به بن‌بست خواهد رساند و مردم را دچار

سردی و خمودی خواهد کرد!... من برخلاف بعضی از تحلیل‌ها، احتمال می‌دهم که دشمن برای این‌که مردم را از ادامه‌ی این راه و این حضور مایوس و پشیمان کند، حتی مشکلات جدید اقتصادی را بر ما تحمیل نماید.

هیچ بعید نیست مشکلاتی را برای فروش نفت، تهیه‌ی مواد اولیه و کالاهای ضروری به وجود آورد، تا فشار را بر مردم زیاد کند. دولت و مجلس و مسؤولان باید دست به دست هم دهند و بهترین راه‌ها و موفق‌ترین شیوه‌ها را جستجو کنند، تا مشکلات اقتصادی مردم کم شود؛ نمی‌گوییم بکلی از بین برود؛ چون در کوتاه‌مدت، چنین چیزی میسر نیست. (بیانات در مراسم بیعت رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۸/۳/۲۴)

۲۷ - چرایی اهمیت اقتصاد در نظام اسلامی: اهمیت مسایل اقتصادی از این نظر است که اولاً با نیازهای اولیه افراد جامعه برای زنده ماندن و زندگی کردن ارتباط دارد؛ ثانیاً فراگیرترین نیازها و مطالبات اجتماعی است. ثالثاً اکنون کانون نارضایتی جامعه است؛ رابعاً این ناکارآمدی اقتصادی اثر فرساینده بر روی سایر هنجارها و ارزش‌های مطلوب جمهوری اسلامی در حوزه فکری و فرهنگی و سبک زندگی دارد؛ و خامساً تمرکز فشارها و تهدیدهای دشمن در مقابله با جمهوری اسلامی نیز در اقتصاد متمرکز شده است.

۲۸ - ریشه مسائل اقتصادی از نظر کارشناسان: هم اینک اکثریت قریب به اتفاق کارشناسان اقتصادی هر چند تاثیر تحریم‌ها را بر شرایط موجود بی‌تاثیر نمی‌دانند، اما ریشه‌ها و راهکارهای بنیادین حل مسائل اقتصادی ایران را در داخل کشور ارزیابی می‌کنند.

۲۹ - هزینه‌های سازش به مراتب بیشتر از هزینه‌های مقاومت است: امروز هم «یک عده هستند که وقتی هیمنه‌ی آمریکا را می‌بینند، قدرت نظامی او را

می‌بینند، قدرت دیپلماسی او را می‌بینند، قدرت تبلیغاتی او را می‌بینند، پول فراوان او را می‌بینند، مرعوب می‌شوند؛ می‌گویند ما که نمی‌توانیم کاری بکنیم، چرا بیخودی نیروهایمان را هدر بدهیم؟ این جور افراد الان هستند، در زمان انقلاب ما هم بودند. ما مواجه بودیم با افرادی از این قبیل که می‌گفتند آقا بیخود چرا خودتان را زحمت می‌دهید؛ به یک حدّ اقلی قانع شوید و قضیه را تمام کنید. یک عده این جور بودند.

یک عده‌ی دیگر هستند که نه، قدرت دشمن را با قدرت خدای متعال مقایسه می‌کنند، عظمت دشمن را در مقابل عظمت پروردگار قرار می‌دهند؛ آن وقت می‌بینند که این‌ها حقیر محضند، این‌ها چیزی نیستند. وعده‌ی الهی را هم راست می‌شمرند، حسن ظن به وعده‌ی الهی دارند؛ این مهم است. خدای متعال به ما وعده کرده است: «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ»؛ این وعده‌ی قطعی است (بیانات رهبر انقلاب اسلامی ۸۹/۱۲/۱) بر همین اساس افرادی که تفکرشان برآمده از آموزه‌های اسلامی نیست از «هزینه‌های چالش با مستکبرین» صحبت می‌کنند و عقلانیت را در این می‌دانند و می‌گویند که چالش با قدرت‌ها هزینه دارد. (۸۹/۳/۱۴) و نسخه‌ی «تسلیم» را برای ملت و نظام اسلامی تجویز می‌کنند.

آنها معتقدند «تسلیم شویم تا دشمن علیه ما مودبگری نکند؛ اما نمی‌دانند که هزینه‌ی تسلیم شدن به مراتب بیشتر از هزینه‌ی مقاومت کردن و ایستادگی کردن است. بله، ایستادگی کردن ممکن است هزینه‌ای داشته باشد، اما دستاوردهای بسیار بزرگی دارد که صدها برابر آن هزینه برای ملت‌ها ارزش دارد؛ اما تسلیم شدن در مقابل دشمن عنود و لجوج و خبیث، جز لگدمال شدن، جز ذلیل شدن، جز بی‌هویت شدن هیچ اثری ندارد. و البته در این زمینه نیز تجربیات روشنی پیش‌روی ماست. یکی از نمونه‌هایی که امروز ملت‌های دنیا به وضوح دیدند، ماجرای دوشیدن عربستان توسط آمریکا بود؛ عربستانی که بهترین روابط را با آمریکا بین کشورهای منطقه دارد و برنامه‌های خود را کاملاً بر اساس سیاست‌های

ایالات متحده تنظیم می‌کند.

در این ماجرا، دولت سعودی برای اینکه با رئیس‌جمهور جدید آمریکا بتواند سازش بکند، مجبور می‌شود بیش از نیمی از ذخایر موجودی مالی خودش را در خدمت هدف‌ها و طبق میل آمریکا هزینه کند. اینها هزینه نیست؟ سازش هم هزینه دارد؛ این ماجرا، یکی از مصادیقی است که بر هزینه داشتن سازش گواهی می‌دهد.

این قانون لایتخلف پروردگار است که فرمود: فَلَا تَهِنُوا وَ تَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَ اللَّهُ مَعَكُمْ وَ لَنْ يَتَرَكَكُمْ أَعْمَالُكُمْ؛ سست نشوید، دعوت به سازش با دشمن نکنید، خدای متعال شما را برتر قرار داده است و برتر هستید «وَلَنْ يَتَرَكَكُمْ» -یعنی «لَنْ يَنْقُصَكُمْ»- خدای متعال برای شما کم نمی‌گذارد در مقابل مجاهدتی که انجام داده‌اید، پاداش این مجاهدت را به‌طور کامل به شما خواهد داد. (بیانات رهبر انقلاب اسلامی ۹۷/۴/۹)

۳۰- زمینه‌های لغزش برخی از یاران حضرت علی(ع): زیر، از شخصیت‌های برجسته‌ی صدر اسلام بود. برجستگی او فقط به خاطر حضور در میادین جنگی نبود، بلکه او اهل علم و معرفت نیز بود. تعاریف و قصیده‌هایی که او در مقام و فضیلت امیرالمؤمنین علیه السلام سروده بود، هنوز هم کم نظیر و عجیب است.

از زمان اخذ بیعت توسط رسول اعظم صلوات الله علیه و آله از همگان در غدیر خم و سپس رحلت ایشان و گذر از ماجراهایی چون سقیفه و ...، تا زمان تقاضای مردم از امیرالمؤمنین علیه السلام برای پذیرفتن خلافت و حکومت، حدود ۲۵ سال طول کشید و تمامی ریزش‌ها و رویش‌ها برای مردمان آن دوران، در همین فاصله صورت گرفت.

با این حال در تمامی این دوران، طلحه و زبیر جزو تنها کسانی بود که بیعت‌شان با حضرت(ص) را نشکستند، بدان وفادار ماندند و در تمامی بحران‌ها، در کنار امیرالمؤمنین «علیه السلام» و خاندان ایشان بودند، و البته زبیر بیشتر. اما، نکته‌ی قابل توجه برای همگان، حکمت الهی

است که نمی‌گذارد عارضه‌ی قلبی کسی مخفی بماند. خداوند متعال در قرآن کریم تصریح نموده است، عمده‌ی امتحانات به مال و مقام و اولاد است. چرا که از سویی بهترین نعمت‌ها هستند و از سوی دیگر مهم‌ترین محورهای آزمایش می‌باشند. «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا» (الکھف، ۴۶).

امتحان به اولاد، به مراتب حساس‌تر، ظریف‌تر و سخت‌تر از امتحان به مال و مقام است، چرا که دلبستگی و تعلق به آن‌ها شدیدتر است. امیرالمؤمنین «علیه السلام» می‌فرمایند: «مَا زَالَ الرَّبُّيُّ رَجُلًا مِّنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ حَتَّى نَشَأَ ابْنَهُ الْمَشْتُومَ عَبْدُ اللَّهِ - زبیر همواره با ما بود تا آن که فرزند نامبارکش عبدالله، پا به جوانی گذاشت - (شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۲۰ ص ۱۰۲ حکمت ۴۶۱)»

روزی پیامبر اکرم صلوات الله علیه و آله، به زبیر متذکر شده بود که تو در چنین شرایط و مکانی به روی امام علی «علیه السلام»، شمشیر می‌کشی، در آن روز مراقب باش و دقت کن که حق با اوست؛ وقتی زبیر با تحریک عایشه و سایر خوارج، جنگ جمل را به راه انداخت و سپاهیان مقابل یک دیگر صف آرایی کردند، امیرالمؤمنین علیه السلام، زبیر را فراخوانده و این هشدار را به او یادآوری کردند.

زبیر به یادش آمد، خواست از جنگ دست بردارد که پسرش شروع به رجزخوانی علیه پدر و تحریک او به ترسویی و ... نمود، سپس خودش صحنه را ترک کرد، اما پسرش به جنگ ادامه داد. این بیماری درونی در طلحه و زبیر، پس از به حکومت رسیدن امیرالمؤمنین «علیه السلام» آشکار شد.

برای اخذ پست و مقام از یک سو و مطالبه‌ی حق بیشتر از بیت المال از سوی دیگر، نزد ایشان آمدند و چون از همان ابتدا با پیام [خاموش کردن شمع بیت المال و روشن کردن شمع شخصی برای گفتگوی شخصی] مواجه شدند و پس از طرح درخواست نیز پاسخ مساعد نگرفتند، معترض شدند که «چرا حق ما را با دیگران در بیت‌المال مساوی قرار دادی؟!»

۳۱- لزوم مقابله با فساد، نفی فساد سیستمی: فساد یک اژدهای هفت سر است که باید با آن به طور کامل و جدی مقابله شود، ضمن اینکه وقتی با فساد و مفسد مقابله می‌شود، قطعاً جیغ و دادهایی از گوشه و کنار بلند می‌شود. بیان علنی این موضوع برای این است که همه بدانند، بنای نظام، برخورد قاطع و بدون ملاحظه با مفسد است. برخی درخصوص فساد به گونه‌ای صحبت می‌کنند که گویا همه نظام فاسد است و ادعای فساد سیستمی و فراگیر می‌کنند در حالی که اینگونه نیست و ما در کشور، مدیران پاکدست و مؤمن فراوانی داریم و اینگونه سخن گفتن، ظلم به این افراد و ظلم به نظام اسلامی است. افراط و تفریط غلط است. برخی در صحبت‌ها و نوشته‌های خود بی ملاحظه هستند. نمی‌توان فساد در برخی دستگاه‌ها و یا در میان برخی افراد را به کل کشور تعمیم داد. (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۹۷/۵/۲۲)

۳۲- عدالت، فاصله بین وضع موجود و وضعیت مطلوب: مقام معظم رهبری در سلسله نشست‌های هم‌اندیشی راهبردی که در سال ۱۳۹۰ با موضوع عدالت برگزار شد، با تأکید بر ضرورت تلاش جدی و تضارب آرای اندیشمندان و متفکران برای دستیابی به نظریه اسلامی ناب در باب عدالت، کارهای انجام شده برای تحقق عدالت اجتماعی را در سه دهه اخیر خوب ارزیابی کردند اما افزودند:

وضع فعلی، مطلقاً راضی کننده نیست چرا که نظام اسلامی به دنبال اجرای حداکثر عدالت و تحقق کامل عدالت به مفهوم یک ارزش مطلق و همگانی است. این کارهای خوب، راضی کننده نیست چرا که ما براساس نگاه اسلامی، تحقق کامل عدالت و محو هرگونه ظلم را هدف قرار داده‌ایم که برای پر کردن فاصله وسیع وضع موجود و تحقق عدالت اجتماعی، باید تلاش مستمر، جدی و همه‌جانبه انجام داد. در سه دهه اخیر در موارد زیادی، در باب عدالت بصورت آزمون و خطا عمل کرده‌ایم اما از

این پس باید، براساس تعاریف و روش‌های متقن حرکت کنیم. ادامه این حرکت پرشتاب، نیازمند تصمیم‌گیری‌های بزرگ است و اگر در این تصمیم‌گیری‌ها از عنصر عدالت و «ارتباط عدالت و پیشرفت» غفلت شود، خسارات فراوانی به بار خواهد آمد.. باید از متون اسلامی، نظریه ناب اسلامی درباره عدالت را پیدا کرد. (۱۳۹۰/۲/۲۷)

۳۳ - استقلال و آزادی ارزش‌های اسلامی و عطیه الهی برای انسان‌ها: پس از انقلاب، استقلال جمهوری اسلامی ایران از شرق و غرب شاخصه‌ای متمایز بوده و نظام توانسته است در سطحی وسیع خود را از یوغ شرق و غرب رها سازد. شاید بتوان دفاع مقدس را بعنوان نماد اصلی استقلال در دوران پس از انقلاب مطرح کرد که با وجود تلاش بسیاری از کشورها در براندازی نظام، کوچکترین خدشه‌ای به نظام و کشور وارد نشد؛ نکته مهم در این زمینه آن است که تصمیمات اتخاذ شده در جمهوری اسلامی تحت فشار و اجبار هیچ قدرت خارجی صورت نمی‌گیرد؛ البته به این معنا نیست که کارگزاران جمهوری اسلامی تحولات بین‌المللی را در بخش تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری محاسبه نمی‌کنند و رویکردهای عقلانی و مصلحت‌گرایانه را مورد توجه قرار نمی‌دهند، بلکه سخن اساسی آن است که فرآیند طراحی راهبردها بر اساس منافع ملی سنجیده می‌شود. بنابراین استقلال سیاسی برای جمهوری اسلامی در زمان کنونی در دو بُعد داخلی و خارجی ظهور و بروز می‌یابد. استقلال سیاسی در بُعد داخلی در انحصار اتخاذ تصمیمات توسط دولت تجلی می‌یابد؛ بدین معنا که دولت با برخورداری از حاکمیت مطلق، برای مردم ایجاد حق و تکلیف می‌کند و هیچ امری نمی‌تواند برای آن محدودیت ایجاد نماید؛ در بُعد خارجی، استقلال سیاسی بدین معناست که ابتکار تعیین و اداره روابط با دیگر کشورها در دست دولت قرار دارد. با این توضیحات درباره استقلال، اینکه امروز جمهوری اسلامی از حیث استقلال سیاسی و امنیت در چه جایگاهی قرار دارد؟ نیاز به توضیح و تحلیل ندارد. مردم به چشم خویش

مشاهده می‌کنند که همه تصمیمات کشور در درون کشور گرفته می‌شود. این را نیز باید دوباره مورد تاکید قرار داد که استقلال آنگونه که امروزه عده‌ای مطرح می‌کنند به معنای قطع روابط با دنیا و عدم نقش آفرینی در مناسبات سیاسی و اقتصادی دنیا نیست بلکه مقصود اصلی در استقلال یعنی اینکه فرآیند تصمیم‌سازی‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و اعمال اقدامات بر اساس شرایط و اقتضائات داخلی صورت گیرد و نه اجبار و تحمیل خواست قدرتهای خارجی.

۳۴- وضعیت آزادی سیاسی در دوره پهلوی: برای آشنا شدن با فضای استبدادی و ضد آزادی دوران پهلوی کافی است به سخنان شاه در ۱۳۵۳/۱۲/۱۱ هنگام اعلام تاسیس حزب رستاخیز نگاهی داشته باشیم: «کسی که وارد این حزب سیاسی جدید نشود یا فردی است که به یک سازمان غیر قانونی تعلق دارد، یا به حزب غیرقانونی توده وابسته است و یا به عبارت دیگر یک خائن است.

چنین فردی یا جایش در زندان‌های ایران است و یا اگر مایل باشد، می‌تواند همین فردا کشور را ترک کند؛ زیرا او ایرانی نیست؛ وطن ندارد و فعالیت‌هایش غیرقانونی است و بر اساس قانون می‌توان او را مجازات کرد؛ اما انقلاب اسلامی همچنان آرمان آزادی و مشارکت مردم در سرنوشت سیاسی خود، علیرغم فراز و فرودهایی که در طول چهل سال از انقلاب اسلامی پدید آمده، را هیچ‌گاه تعطیل نکرده است و از لحاظ ساختاری توانسته است، نهادها و ساز و کارهای آزادی و مردم‌سالاری را تشکیل دهد و تعمیق ببخشد.

۳۵- عزت و اقتدار بی‌نظیر انقلاب اسلامی در روابط خارجی: موضوع حضور مقتدرانه و عزتمندانه انقلاب اسلامی در صحنه جهانی و مقابله با نظام سلطه به‌حدی حائز اهمیت است که «برژینسکی»، استراتژیست آمریکایی،

انقلاب اسلامی را پدیده‌ای توصیف می‌کند که در صحنه شطرنج جهانی، بزرگترین مانع بر سر راه استقرار کامل جهان آمریکایی و سلطه کامل آمریکا بر جهان است؛ به‌خصوص که توانست در منطقه مهم و راهبردی غرب آسیا، سد محکمی در برابر غرب شکل دهد.

«الکس وطن خواه»، کارشناس ایرانی تبار موسسه خاورمیانه در ایالات متحده آمریکا نیز طی تحلیل‌های پیاپی خود به مقامات آمریکایی نسبت به تشکیل آینده اقتدار منطقه‌ای ایران هشدار داده و به خوبی اقتدار و عزت ملی در سیاست خارجی ایران را به تصویر کشیده است. وی در تحلیلی که بررسی مدل دسترسی منطقه‌ای ایران پرداخته است، به نکات مهمی درباره رشد بالندگی قدرت و اقتدار منطقه‌ای ایران در غرب آسیا می‌پردازد.

وی می‌نویسد: «سیاستمداران و نظامیان ایرانی، تلاش می‌کنند تا محیط امنیت غرب آسیا را با راهبرد منطقه‌ای ایران سازگار کنند. در واقع ایران تلاش می‌کند تا نبرد با دشمنان خود را در فراسوی مرزهای خویش انجام دهد. ایران از سال ۲۰۰۳ و پس از اشغال عراق توسط آمریکا، به طور نظام‌مند تلاش کرده تا دستورکار آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن را با حمایت از گروه‌های مخالف آمریکا، تضعیف کند. الگوی دسترسی‌های نیابتی، راهبرد موفقیت آمیزی برای ایران بوده است. به نظر می‌رسد تا زمانی که هزینه‌های این راهبرد کمتر از منافع آن باشد و آیت الله خامنه‌ای همچنان تصمیم گیرنده اصلی در این زمینه است، راهبرد دسترسی نیابتی در آینده نیز همچنان با قوت ادامه خواهد یافت.

تلاش ایران برای دستیابی به یک قدرت متعارف نظامی، نشان می‌دهد که این کشور هنوز یک قدرت تدافعی است. از این منظر باید گفت منازعه میان ایران و رقبای این کشور کمتر ناشی از اهداف توسعه طلبانه ایران است.

ایران تکه‌ای جدایی ناپذیر از این منطقه است که نمی‌توان آن را از منطقه، بیرون نگاه داشت. همسایگان ایران و همچنین ایالات متحده باید بیش

از پیش با این کشور در مورد مسائل منطقه‌ای مانند آینده بحران یمن، سوریه و عراق تعامل کنند».

۳۶- اهمیت سبک زندگی اسلامی در پیشرفت مادی و معنوی جامعه: رهبر معظم انقلاب در جمع جوانان استان خراسان شمالی در تاریخ ۹۱/۷/۲۳ در خصوص «سبک زندگی» فرمودند:

«در انقلاب، در این بخش (سبک زندگی)، پیشرفت ما چشمگیر نیست؛ باید آسیب شناسی کنیم؛ چرا ما در این بخش پیشرفت نکردیم؟ بنابراین باید آسیب شناسی کنیم؛ یعنی توجه به آسیب‌هایی که در این زمینه وجود دارد و جستجو از علل این آسیب‌ها. البته ما اینجا نمی‌خواهیم مسئله را تمام شده فرض کنیم؛ فهرستی مطرح می‌کنیم: چرا فرهنگ کار جمعی در جامعه‌ی ما ضعیف است؟ این یک آسیب است. با اینکه کار جمعی را غربی‌ها به اسم خودشان ثبت کرده‌اند، اما اسلام خیلی قبل از این‌ها گفته است: «تعاونوا علی البرّ و التّقوی»، یا: «و اعتصموا بحبل الله جمیعاً». یعنی حتّی اعتصام به حبل‌الله هم باید دسته‌جمعی باشد؛ «و لا تفرّقوا». چرا در برخی از بخش‌های کشورمان طلاق زیاد است؟ چرا در برخی از بخش‌های کشورمان روی آوردن جوان‌ها به مواد مخدر زیاد است؟ چرا در روابط همسایگی‌مان رعایت‌های لازم را نمی‌کنیم؟ چرا صله‌ی رحم در بین ما ضعیف است؟ چرا در زمینه‌ی فرهنگ رانندگی در خیابان، ما مردمان منضبطی به طور کامل نیستیم؟ این آسیب است. رفت‌وآمد در خیابان، یکی از مسائل ماست؛ مسئله‌ی کوچکی هم نیست، مسئله‌ی اساسی است. آپارتمان‌نشینی چقدر برای ما ضروری است؟ چقدر درست است؟ چه الزاماتی دارد که باید آنها را رعایت کرد؟ چقدر آن الزامات را رعایت می‌کنیم؟ الگوی تفریح سالم چیست؟ نوع معماری در جامعه‌ی ما چگونه است؟ ببینید چقدر این مسائل متنوع و فراگیر همه‌ی بخش‌های زندگی، داخل در این مقوله‌ی سبک زندگی است؛ در این بخش اصلی و حقیقی و واقعی تمدن، که رفتارهای ماست. چقدر نوع

معماری کنونی ما متناسب با نیازهای ماست؟ چقدر عقلانی و منطقی است؟ طراحی لباسمان چگونه؟ مسئله‌ی آرایش در بین مردان و زنان چگونه؟ چقدر درست است؟ چقدر مفید است؟ آیا ما در بازار، در ادارات، در معاشرت‌های روزانه، به همدیگر به طور کامل راست می‌گوییم؟ در بین ما دروغ چقدر رواج دارد؟ چرا پشت سر یکدیگر حرف می‌زنیم؟ بعضی‌ها با داشتن توان کار، از کار می‌گریزند؛ علت کارگریزی چیست؟ در محیط اجتماعی، برخی‌ها پرخاشگری‌های بی‌مورد می‌کنند؛ علت پرخاشگری و بی‌صبری و نابداری در میان بعضی از ماها چیست؟ حقوق افراد را چقدر مراعات می‌کنیم؟ در رسانه‌ها چقدر مراعات می‌شود؟ در اینترنت چقدر مراعات می‌شود؟ چقدر به قانون احترام می‌کنیم؟ علت قانون‌گریزی - که یک بیماری خطرناکی است - در برخی از مردم چیست؟ وجدان کاری در جامعه چقدر وجود دارد؟ انضباط اجتماعی در جامعه چقدر وجود دارد؟ محکم‌کاری در تولید چقدر وجود دارد؟ تولید کیفی در بخش‌های مختلف، چقدر مورد توجه و اهتمام است؟ چرا برخی از حرف‌های خوب، نظرهای خوب، ایده‌های خوب، در حد رؤیا و حرف باقی می‌ماند؟ که دیدید اشاره کردند.

چرا به ما می‌گویند که ساعات مفید کار در دستگاه‌های اداری ما کم است؟ هشت ساعت کار باید به قدر هشت ساعت فایده داشته باشد؛ چرا به قدر یک ساعت یا نیم ساعت یا دو ساعت؟ مشکل کجاست؟ چرا در بین بسیاری از مردم ما مصرف‌گرایی رواج دارد؟ آیا مصرف‌گرایی افتخار است؟ مصرف‌گرایی یعنی اینکه ما هرچه گیر می‌آوریم، صرف امور می‌کنیم که جزو ضروریات زندگی ما نیست.

چه کنیم که ریشه‌ی ربا در جامعه قطع شود؟ چه کنیم که حق همسر - حق زن، حق شوهر - حق فرزندان رعایت شود؟ چه کنیم که طلاق و فروپاشی خانواده، آنچنان که در غرب رائج است، در بین ما رواج پیدا نکند؟ چه کنیم که زن در جامعه‌ی ما، هم کرامتش حفظ شود و عزت خانوادگی‌اش محفوظ بماند، هم بتواند وظایف اجتماعی‌اش را انجام دهد،

هم حقوق اجتماعی و خانوادگی‌اش محفوظ بماند؟ چه کنیم که زن مجبور نباشد بین این چند تا، یکی‌اش را انتخاب کند؟ اینها جزو مسائل اساسی ماست.

حد زاد و ولد در جامعه‌ی ما چیست؟ من اشاره کردم؛ یک تصمیم زمان‌دار و نیاز به زمان و مقطعی را انتخاب کردیم، گرفتیم، بعد زمانش یادمان رفت! مثلاً فرض کنید به شما بگویند آقا این شیر آب را یک ساعت باز کنید.

بعد شما شیر را باز کنی و بروی! ماها رفتیم، غافل شدیم؛ ده سال، پانزده سال. بعد حالا به ما گزارش می‌دهند که آقا جامعه‌ی ما در آینده‌ی نه چندان دوری، جامعه‌ی پیر خواهد شد؛ این چهره‌ی جوانی که امروز جامعه‌ی ایرانی دارد، از او گرفته خواهد شد.

حد زاد و ولد چقدر است؟ چرا در بعضی از شهرهای بزرگ، خانه‌های مجردی وجود دارد؟ این بیماری غربی چگونه در جامعه‌ی ما نفوذ کرده است؟ تجمل‌گرایی چیست؟ بد است؟ خوب است؟ چقدرش بد است؟ چقدرش خوب است؟ چه کار کنیم که از حد خوب فراتر نرود، به حد بد نرسد؟ اینها بخش‌های گوناگونی از مسائل سبک زندگی است، و ده‌ها مسئله از این قبیل وجود دارد؛ که بعضی از این‌هایی که من گفتم، مهمتر است. این یک فهرستی است از آن چیزهایی که متن تمدن را تشکیل می‌دهد. قضاوت درباره‌ی یک تمدن، مبتنی بر این‌هاست.

نمی‌شود یک تمدن را به صرف اینکه ماشین دارد، صنعت دارد، ثروت دارد، قضاوت کرد و تحسین کرد؛ در حالی که در داخل آن، این مشکلات فراوان، سراسر جامعه و زندگی مردم را فرا گرفته. اصل این‌هاست؛ آن‌ها ابزاری است برای اینکه این بخش تأمین شود، تا مردم احساس آسایش کنند، با امید زندگی کنند، با امنیت زندگی کنند، پیش بروند، حرکت کنند، تعالی انسانی مطلوب پیدا کنند.